

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س)
سال سی ام، دوره جدید، شماره ۴۷، پیاپی ۱۳۷، پاییز ۱۳۹۹ / صفحات ۱۷۱-۱۳۵
مقاله علمی - پژوهشی

تبیین الگوی مفهومی حکومت‌داری امیرکبیر^۱

مریم شمس فلاورجانی^۲
مهربان هادی پیکانی^۳
سهیلا ترابی فارسانی^۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۱۳

چکیده

پژوهش حاضر ناظر به تدوین الگویی برای مدیریت دولتی است و نگارندگان درصدداند با استفاده از علم تاریخ این فرصت را در اختیار تصمیم‌گیران، سیاست‌گذاران و مدیران دولتی قرار دهند تا بتوانند الگویی از حکومت‌داری را به دقت بررسی کنند. یکی از بهترین الگوها در این باره، حکومت‌داری امیرکبیر است. در این مطالعه با پیروی از رویکرد چارچوب مفهومی و با بهره‌گیری از روش پژوهش اسنادی با محوریت مطالعه و بررسی کتب و متون دست اول، داده‌های مهم موجود در منابع تاریخی استخراج شده است که ضمن نقد و بررسی در قالب طرحی اکتشافی و استقرایی، تصویری نسبتاً مشخص از شیوه حکومت‌داری امیرکبیر ارائه شده است. چارچوب مفهومی پیشنهادی این پژوهش مشتمل بر ۱۸۹ مفهوم است که در قالب ۲۳ مقوله، ۱۲ تم و ۶ بُعد ساماندهی شده است. مفاهیم استخراج شده نیز دسته‌بندی شده و هر دسته در یک مقوله گنجانده شده است و مقولات هم‌دسته در یک تم قرار گرفته‌اند و تم‌های هم‌دسته ابعاد را تشکیل داده‌اند. ابعاد شناسایی شده عبارت است از: اقدامات سیاسی، اقدامات فرهنگی، اقدامات بروکراتیک، اقدامات حفاظتی، اقدامات اقتصادی و اقدامات اجتماعی؛ که با هم‌اندیشی کانون خبرگان به دست آمده است. چارچوب مذکور مبنایی برای درک جوانب مختلف حکومت‌داری امیرکبیر ایجاد کرده و در نهایت الگویی مفهومی از اقدامات این سیاستمدار ارائه داده است که می‌تواند دستمایه مدیران و سیاست‌گذاران مدیریت دولتی در ایران باشد. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که می‌توان از داده‌های تاریخی برای تعریف مفاهیم جدید و مؤلفه‌های جدید در مدیریت دولتی استفاده کرد.

واژه‌های کلیدی: امیرکبیر، ایران، قاجاریه، مدیریت دولتی، چارچوب مفهومی

۱. شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/HI.2020.31751.2262

۲. دانشجوی دکتری رشته مدیریت دولتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران
shams.maryam@gmail.com

۳. استادیار گروه مدیریت دولتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول)
m.peykani@khuisf.ac.ir

۴. دانشیار گروه تاریخ، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران
stfarsani@phu.iaun.ac.ir

مقدمه

مدیریت دولتی امری چندبُعدی و فرابخشی است که برای به دست آوردن الگوی مناسب، همواره به شبه‌پارادایم‌ها در این باره توجه شده است. البته دولت‌ها و جوامع مختلف در یک مقطع زمانی مشخص بر روی یک مجموعه از نظریات به عنوان الگوی واحد و غالب اجماع ندارند؛ چنان‌که در حال حاضر از الگوها و رویکردهای متفاوت مدیریت دولتی در اداره امور کشور خود بهره گرفته‌اند (نرگسیان، ۱۳۷۸: ۱۶۰)؛ الگوهایی چون حکومت‌داری، مدیریت دولتی کلاسیک، مدیریت دولتی نوین، حکمرانی خوب، حکمرانی شبکه‌ای، حکمرانی باز، دولت الکترونیک و غیره. در واقع، آنجا که مدیریت دولتی در پی حل مسائل عمومی و رفع نیازهای ابتدایی جوامع بوده، رویکرد یا الگوی حکومت‌داری را در پیش گرفته و آنجا که با پیچیدگی مسائل عمومی روبه‌رو شده، روش‌های پیشرفته‌تر مبتنی بر مشارکت مدنی، شفافیت، پاسخگویی و در نهایت توسعه را در دستور کار قرار داده و رویکرد حکمرانی را در پیش گرفته است. گفتنی است همین پیچیدگی مسائل عمومی است که تغییر رویکرد از حکومت‌داری به حکمرانی را در مدیریت دولتی نمایان می‌کند و نشان می‌دهد که این رویکردها که از آن به شبه‌پارادایم نیز تعبیر شده، در واقع محصول گذار تاریخی است که نقد و بررسی آن گاهی مورد غفلت قرار گرفته است. این نکته ما را بر آن داشته تا به دنبال تبیین شیوه‌ی اداره امور عمومی در ایران و یافتن مؤلفه‌های رویکرد حکومت‌داری در ایران، برای ارائه الگوی مدیریت دولتی تلاش کنیم. برای شناسایی این مؤلفه‌ها از شیوه‌های مختلف استفاده می‌شود که یکی از اصولی‌ترین این شیوه‌ها استفاده از داده‌های تاریخی و عملکرد افرادی است که طی تاریخ به عنوان شاخص شناخته شده‌اند و از مهم‌ترین افراد در تاریخ ایران میرزا تقی‌خان امیرکبیر است. امیرکبیر به عنوان یکی از خوشنام‌ترین سیاستمدار و حکمران تاریخ ایران، طی مدت کوتاه صدارت خود از ۲۲ ذی‌قعدة ۱۲۶۴ق. تا ۱۹ محرم ۱۲۶۸ق. خدمات متعدد و متنوعی را ارائه داده که بسیاری از آنها بنیان حرکت‌های بعدی در تاریخ اداره امور عمومی در ایران است (اقبال آشتیانی، ۱۳۶۱: ۵۲؛ کرزن، ۱۳۹۶: ۵۰۴؛ شیل، ۱۳۶۸: ۳۵؛ دوگوبینو، ۱۳۶۷: ۲۳۰؛ واتسون، ۱۳۵۶: ۲۷۳؛ آدمیت، ۱۳۸۹: ۱۹۲). بر همین اساس، در این پژوهش شیوه‌ی حکومت‌داری امیرکبیر و ابعاد مختلف آن به عنوان مسئله اصلی پژوهش حاضر مورد توجه قرار گرفته است.

وضعیت کنونی مدیریت دولتی در ایران چالش‌های فراوانی دارد؛ از جمله نظام حقوقی غیرمنسجم، ساختار سیاسی نامساعد، شکاف‌های اجتماعی متعدد، بستر فرهنگی نامناسب، اقتصاد رانتی و عدم انتظام در سیاست‌گذاری (عطار و خواجه نائینی، ۱۳۹۴: ۱). پژوهشگران

علم مدیریت پارادایم‌های متعددی را دربارهٔ اداره امور عمومی عنوان کرده‌اند که هدف اصلی آن مدیریت بهتر و صحیح‌تر و اداره مناسب امور عمومی است؛ به شکلی که هدف اصلی آن که منفعت عمومی است، تأمین شود. البته در این میان، مطالعهٔ مشخص و تعریف شده دربارهٔ استفاده از تاریخ به منظور ارائهٔ الگوی مدیریت دولتی و ادارهٔ عمومی ارائه نشده است. با وجود این، هر کس که دربارهٔ امور عمومی می‌اندیشد یا می‌نویسد، از نیاز به وارد کردن نوعی فهم تاریخی در کارش به خوبی آگاه است (استنفورد، ۱۳۸۴: 67). با تکمیل زنجیرهٔ پژوهش‌های تاریخی به سایر موارد مشابه و مقایسهٔ تطبیقی آنها می‌توان از سطح الهام‌گیری به سمت پیشنهاد‌های عملی حرکت کرد. این مطالعه به عنوان یک پژوهش تاریخی که از مراحل توصیف، طبقه‌بندی و تبیین عبور کرده، می‌تواند به عنوان مأخذی برای گسترده کردن دید در مدیریت دولتی یا الهام‌بخشی و حتی حرکت به سمت استفاده‌های عملی و مدل‌سازی مورد استفاده قرار گیرد (شاه‌آبادی و دیگران، ۱۳۹۳: 91). از آنجا که الگوی حکومت‌داری امیرکبیر منطبق با شرایط فرهنگی جامعه ایرانی است و شاهد آنکه بعد از 172 سال همچنان شیوهٔ حکومت‌داری او مورد تأیید صاحب‌نظران حکمرانی و مدیریت دولتی است، می‌تواند به عنوان یک الگوی حکومت‌داری مورد نقد و بررسی قرار گیرد. امیرکبیر براساس فرمان ناصرالدین‌شاه قاجار شخص اول ایران شد و با داشتن لقب رئیس کل قوا، عهده‌دار حکومت قاجار طی سه سال و دو ماه شد. با دسته‌بندی اقدامات او، به شناسایی مؤلفه‌های حکومت‌داری او پی خواهیم برد و با تمرکز بر نقش تجارب تاریخی او در مدیریت دولتی، مبانی و الگوی اجرایی و نحوهٔ حکومت‌داری وی، الگویی را که با عنوان «نظم میرزا تقی‌خانی» (آدمیت، ۱۳۸۹: 192) در تاریخ معروف شده است، تحلیل و بررسی خواهیم کرد و روش‌شناسی اسنادی با محوریت مطالعهٔ کتب و متون به جای مانده از تایخ قاجار را به منزلهٔ تجربه تاریخی در مقام تبیین چارچوب مفهومی شیوهٔ حکومت‌داری امیرکبیر قرار خواهیم داد. گفتنی است در این میان از نگاه نقادانه غافل نبوده و همواره با نگاه نقد به مطالعه اقدامات امیرکبیر پرداخته‌ایم. این مطالعه در دو فاز انجام شده است. فاز اول تحلیل محتوایست که طی آن منابع دست اول و منابع تحلیلی بررسی شده و مؤلفه‌های اصلی حکومت‌داری امیرکبیر استخراج شده است. در فاز دوم در یک کانون خبرگان^۱ متشکل از هفت نفر از اساتید مدیریت دولتی، جامعه‌شناسی و تاریخ و

۱. کانون خبرگان این مطالعه متشکل از اساتید و تخصص‌های زیر است:

- سید علی آل داوود: محقق، نسخ‌شناس، ویراستار و مؤلف حوزه تاریخ و فرهنگ؛

- علی رضاقلی: محقق و نویسنده حوزه جامعه‌شناسی، اقتصاد و توسعه؛

- محسن رنایی: محقق حوزه اقتصاد و توسعه و استاد گروه اقتصاد دانشگاه اصفهان؛

فرهنگ و بارزترین محقق اسناد و نامه‌های امیرکبیر^۱ که آشنایی کاملی با تاریخ دوره قاجار و اقدامات امیرکبیر دارند، دسته‌بندی منظمی براساس مدل استقرائی ارائه شده است. این دسته‌بندی در قالب مفاهیم، مقوله‌ها، تم‌ها و ابعاد ارائه شده و سعی شده در نهایت در یک دیدگاه کلان به این سؤال پاسخ داده شود که الگوی حکومت‌داری امیر چه مؤلفه‌هایی داشته است.

ضرورت راهبردی مطالعه مدیریت دولتی امیرکبیر از بُعد پوشش خلأ مطالعاتی

شناخت تاریخ و پدیده‌های تاریخی، امکان‌سنجش و اندازه‌گیری روند دگرگونی‌های اجتماعی، مسیر و آهنگ آنها را فراهم می‌سازد. پرسش‌هایی که درباره دگرگونی‌های اجتماعی مطرح می‌شوند، در زمره عمیق‌ترین و اساسی‌ترین پرسش‌هایی‌اند که در دانش بشری طرح شدند است؛ یعنی در پژوهش تاریخی سخن از چگونگی پیدایی جامعه، مسیر و چگونگی تطور آن و در نهایت سخن از آینده‌ای است که در برابر انسان است. پاسخ به این پرسش‌ها شناخت ماهیت پدیده‌های تاریخی را ضروری می‌سازد. چنان‌که فیلیپس گفته، شناخت تاریخ در راستای حکمرانی امری ضروری است (Philips, 2014: 81). این مطالعه نیز ارتباط میان تاریخ و مدیریت دولتی را به نمایش می‌گذارد و این فرصت را در اختیار تصمیم‌گیران و سیاست‌گذاران و مدیران دولتی قرار می‌دهد تا بتوانند تجربه‌های عملی را به دقت بررسی کنند؛ چنان‌که مکالا^۲ گفته است ما نباید تاریخ را فقط به دلیل دشواری و کلی بودن کنار بگذاریم، بلکه در راستای حکومتگری خوب و اداره مناسب امور جامعه، باید به این نوع تاریخ میدان دهیم (مکالا، ۱۳۸۷: ۸۴).

در مورد مطالعه درباره امیرکبیر باید گفت کتاب‌های بسیاری درباره او و اقداماتش نوشته شده است (آدمیت، ۱۳۸۹؛ اشرف، ۱۳۵۹؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۴۹؛ اقبال آشتیانی، ۱۳۶۱؛ بامداد، ۱۳۷۸؛ پولاک، ۱۳۶۱؛ کرزن، ۱۳۹۶؛ مراغه‌ای، ۱۳۴۴؛ مکی، ۱۳۷۳؛ تیموری، ۱۳۳۲؛ رضاقلی، ۱۳۷۷ و غیره). همچنین مقالات ارزشمندی در مورد امیرکبیر نوشته شده است؛ از جمله

- مهربان هادی پیکانی: محقق حوزه مدیریت دولتی و دانشیار گروه مدیریت دولتی دانشگاه آزاد اصفهان؛
- سهیلا ترابی فارسانی: محقق حوزه تاریخ ایران و دانشیار گروه تاریخ دانشگاه آزاد نجف‌آباد؛
- محمدرضا یزدانی: محقق حوزه سیاست‌گذاری و دانشیار گروه روابط بین‌الملل و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اصفهان؛
- رحمت‌الله قلی‌پور: محقق حوزه مدیریت دولتی و سیاست‌گذاری و استاد گروه مدیریت دولتی دانشگاه تهران.
۱. سید علی آل داوود مؤلف کتاب اسناد و نامه‌های امیرکبیر و کتاب امیرکبیر و ناصرالدین‌شاه.

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء^(س)، سال ۳۰، شماره ۴۷، پاییز ۹۹ / ۱۳۹

تحقیقی با عنوان «تحلیل گفتمان اصلاحات امیرکبیر در متون منتخب روزنامه وقایع اتفاقیه» توسط اطهری انجام شده (۱۳۹۲) که در آن با استفاده از روزنامه وقایع اتفاقیه به تحلیل گفتمان پرداخته است. صادق زیباکلام (۱۳۷۹) در پژوهشی با عنوان «حاکمیت قاجارها، امیر کبیر و اصلاحات» اصلاحات انجام شده توسط امیرکبیر را در بستر مسائل فرهنگی و اجتماعی قاجار مورد تحلیل قرار داده است. محمدی آیین (۱۳۹۶) در یک تحقیق به بررسی و تحلیل اصلاحات امیرکبیر از دیدگاه سیاحان و کارگزاران خارجی پرداخته است. تنکابنی (۱۳۸۹) در مقاله «منزلت «قانون» و «نظم» در نظریه‌های علوم اجتماعی و مدیریت؛ پیشینه آن در اداره ایران عصر قاجار» ضمن بررسی این دو مقوله در دوره قاجار، به امیرکبیر در قالب این دو مورد پرداخته است. مرتضایی فرد، بیگدلی و علی صوفی (۱۳۹۷) «تحولات اصلاحات قضایی در دوره امیرکبیر و سپهسالار» را در تحقیقی با همین عنوان انجام داده‌اند. رضاقلی (۱۳۸۴) در پژوهشی با عنوان «تاریخ، توسعه، توسعه‌نیافتگی؛ نگرش تطبیقی به آراء ابن‌خلدون، مارکس، بازرگان و نورث» به نقش امیرکبیر در تحولات توسعه در ایران پرداخته است. شعبانی و صنعتی (۱۳۹۵) در مقاله «میرزا آقاخان نوری و مرده‌ریگ اصلاحات امیرکبیر» به سرانجام اصلاحات و اقدامات امیرکبیر بعد از شهادت او پرداخته است. جعفری، دهقان‌نژاد و الهیاری (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «اصلاح نظام اداری ایران در عصر قاجار با تأکید بر قانون استخدام کشوری» به اصلاحات نظامی که توسط امیرکبیر صورت گرفته، پرداخته‌اند. احمدزاده (۱۳۹۳) در مقاله «بسترهای تحدید و توسعه امنیت اجتماعی در ایران عصر قاجار با تأکید بر آسیب‌شناسی نهادهای امنیت‌ساز» به نقش امیرکبیر در بسط و توسعه امنیت در جامعه و جلوگیری از قلدرمآبی پرداخته است. حاجی‌یوسفی و محمدیان (۱۳۹۷) در تحقیقی با عنوان «منابع قدرت اجتماعی، ساختار دولت و روابط خارجی قاجار» به بررسی چگونگی روابط امیر با دولت‌های روس و انگلیس پرداخته است. پرنیانی (۱۳۹۳) در مقاله «تفسیر اصلاحات ناکام با جامعه‌شناسی نخبه‌کشی در ایران با تأکید بر امیر کبیر» روند اصلاحات و دلایل ناکامی آن با تأکید بر امیرکبیر را مورد بررسی قرار داده است. البته تاکنون مطالعه‌ای که شیوه حکومت‌داری امیر را در قالب یک چارچوب مفهومی و به زبان علمی بیان کند، انجام نشده است. همچنین پژوهش میان‌رشته‌ای که به‌طور ویژه مطالعه‌ای با استفاده از شیوه حکومت‌داری امیرکبیر و استفاده از مؤلفه‌های مدیریت دولتی و الگوی مدیریت دولتی ارائه دهد، انجام نشده است. گفتنی است که درباره دیوانسالاری در ایران مطالعات بسیاری انجام شده (اجاللی، ۱۳۷۳؛ زاهدی و تنکابنی، ۱۳۸۸)، اما درباره حکومت‌داری که اعم از دیوانسالاری است، مطالعه‌ای انجام نشده است.

ارتباط مفاهیم مدیریت دولتی و مبانی تاریخی

در این مطالعه با اتخاذ رویکرد میان‌رشته‌ای و استفاده از ظرفیت تاریخ، تلاش شده است از ظرفیت دو رشته تاریخ و مدیریت دولتی بهره گرفته شود. در واقع، برخلاف چند دهه قبل دیگر نمی‌توان از استقلال حوزه‌های علوم انسانی سخن گفت؛ زیرا این حوزه‌ها به شدت به هم پیچیده است. بر همین اساس، بحث میان‌رشته‌ای بحثی عام و متعارف شده است (احمدوند و حمیدی، ۱۳۹۲: ۵۲). طبق تعریف نیوول مطالعات میان‌رشته‌ای هنگامی ضرورت می‌یابد که در فراگرد پاسخگویی به یک سؤال، حل یک مسئله و یا ارجاع به یک موضوع، مباحث آنقدر وسیع و پیچیده شود که پرداختن به آن در حریم مباحث و قابلیت‌های یک رشته یا یک حرفه ناکافی جلوه کند (Newell, 2001: 19). ضمن اینکه مشخصه اصلی دانش مدیریت دولتی، میان‌رشته‌ای بودن آن است و نخ تسبیح تکثر مباحث رشته‌های گوناگون در دوره‌های آموزشی مدیریت دولتی و خط مشی‌گذاری عمومی تمرکز دانشجو بر حل یک مسئله عمومی است (امامی، ذوالفقارزاده و خصاف مفرد، ۱۳۹۱: ۱۲۱). بدیهی است که در این چارچوب استفاده از رشته‌های دیگر مانند تاریخ می‌تواند برای حل مسائل عمومی کارساز باشد. واضح است که اگر کسی بخواهد درباره امور عمومی بیاندیشد، به نوعی فهم تاریخی نیز نیاز دارد (والاد، ۴۰: ۱۳۸۷؛ مورن، ۱۳۸۷: ۴۵). به تعبیری می‌توان تاریخ را فروشگاه بزرگ واقعیت‌ها و اطلاعات دانست که دانش سیاسی و مدیریت دولتی، از طریق آن داده‌هایی را برای تعمیم و نظریه‌پردازی به دست می‌آورد (رحمانی، ۱۳۹۳: ۵۴)؛ زیرا حوادث روایت شده تاریخ هر اندازه کهنه و دوردست باشد، در حقیقت به حواصیل و مواضع کنونی اشاره می‌کند (کار، ۱۳۸۵: ۴۸). یکی از این مواضع کنونی مدیریت دولتی است. موضعی که اساساً مشخصه اصلی آن میان‌رشته‌ای بودن آن است؛ زیرا نقطه نظر اصلی در این جریان حل یک مسئله عمومی است (امامی، ذوالفقارزاده و خصاف مفرد، ۱۳۹۱: ۱۲۵). بدیهی است که در این چارچوب استفاده از رشته‌های دیگر مانند تاریخ می‌تواند برای حل مسائل عمومی کارساز باشد. واضح است که اگر کسی بخواهد درباره «امور عمومی»^۱ بیاندیشد، به نوعی فهم تاریخی نیز نیاز دارد (والاد، ۱۳۸۷: ۴۰؛ مورن، ۱۳۸۷: ۴۵). در واقع، از آنجا که گروه‌ها، خصلت‌های فردی، ساختار انگیزشی، خواص ساختارها، نهادها و سازمان‌های اجتماعی، اوصاف اخلاقی و عقیدتی گروه‌ها و طایفه‌های مختلف، موقعیت‌های تکنولوژیک، تحولات فرهنگی و مشخصات محیط زیست طبیعی، همه در انتخاب افراد جامعه و آینده و تحولات تأثیر می‌گذارند و نهادها علاوه بر هویت جاری، هویت تاریخی نیز دارند، تقریباً تمامی کسانی که به صورت جدی و روش‌مند

در فکر پاسخگویی به مشکلات برمی آیند، در عین حال که نگاهی به زمان حال دارند، به گذشته نیز توجه می کنند و بدان سبب که تغییرات بدون توجه به آن امکان ندارد، به آینده بهتر نیز می اندیشند؛ زیرا اوضاع بهتری را آرزو می کنند و می دانند که میراث گذشته «انتخاب» حال و آینده را مقید می کند؛ چنان که متفکران بزرگ و بنیان گذاران رشته های مختلف علوم اجتماعی همگی تاریخی اندیش بودند؛ مثل مارکس، لیست، وبلن، وبر، دورکهایم، آگوست کنت و غیره (رضاقلی، ۱۳۸۴: ۵).

درباره مدیریت دولتی تعاریف بسیاری شده است. برخی از اندیشمندان ادعا کرده اند مدیریت دولتی بخشی از مدیریت است و نظریه مناسب به منظور بررسی و مطالعه آن، نظریه مدیریت عمومی است. والدو^۱ (۱۹۷۵) معتقد است مدیریت دولتی نوعی حرفه است و از رشته های مختلف و دیدگاه های گوناگون نشأت می گیرد. دنهارت^۲ (۱۹۸۴) مدعی است در تعریف مدیریت دولتی باید بر سازمان های دولتی تمرکز شود نه مدیریت نهادهای دولتی.

همان گونه که گفته شد، مدیریت دولتی دو بُعد دارد. در بُعد نظری مفهوم ها، نظریه ها، تعریف ها، فن ها و راهکارها مرور می شود و در بُعد عملی دو گونه تجربه مطالعه می شود: ۱. تجربه های شبیه سازی شده از طریق مورد کاوی، ایفای نقش یا نظایر آنها (شاه آبادی و دیگران، ۱۳۹۳: ۷۴)؛ ۲. تجربه های واقعی فرد به عنوان مدیر (رضاییان، ۱۳۸۷: ۵۴). به این ترتیب، یکی از تأکیدهای اصلی به خصوص در مدیریت دولتی - به عنوان عرصه ای که نسبت به دیگر عرصه های مدیریت تاب کمتری برای آزمون و خطا دارد - استفاده از روش های آزمون شده و موفق برای حل مسائل مدیریت دولتی است. این روش های آزمون شده را می توان از طریق «الگوبرداری»^۳ به پیش برد. پوستنوت^۴ در شماره ۳۲۳ خود نوشته است امروزه خط مشی گذاران و مدیران دولتی می توانند از «موردهای تاریخی»^۵ درس های مفیدی یاد بگیرند. آنها می توانند از موفقیت های گذشته درس بگیرند و اشتباهات گذشته را تکرار نکنند (Postnote, 2009: 1). افلند نیز بیان کرده است که قرار گرفتن در میان گذشته و آینده می تواند دارای ریسک باشد، اما غیرممکن نیست که با ادغام آن دو، دانشی از طریق مطالعه معاصر و تاریخی برای فهم هر دو به دست آید. ترکیب ماهرانه رویه ها و یافته های تاریخ خط مشی با روش ها و نتایج تحلیلی خط مشی، می تواند هم افزایی را به همراه ارزش زیادی برای هر دو رشته تولید کند

-
1. Valdo
 2. Denhardt
 3. Benchmarking
 4. Postnote
 5. Historical cases

(Effland, 2012: 200). گراتان جایگاه گذشته را در یادگیری از اشتباهات پیشین ارزشمند دانسته و گفته است گذشته میراث ماست و می‌تواند ما را توانمند یا متوقف سازد، اما فهم آن می‌تواند ما را در فرصت‌هایی که اشتباهات را تکرار نمی‌کنیم، یاری دهد. دانش گذشته می‌تواند افعال آینده ما را آگاهانه سازد؛ همان‌طور که ضروری است تفسیر تاریخ بر پایه قضاوت‌ها و تکنیک‌های کامل تاریخ‌نگاری بنا شده باشد (Grattan, 2008: 174). فیلیپس نیز تأکید کرده است که حتی اگر امکان پیش‌بینی و درس‌آموزی دقیق از تاریخ ممکن نباشد، باز هم فهم تاریخی در هر طرحی برای اصلاح و توسعه ضروری است (Philips, 2014: 81).

قابلیت‌های تاریخ برای مدیریت دولتی

بدی گفته است مورخان می‌توانند به خط مشی‌گذاران کمک کنند تا از خطرهایی مانند تعریف مسئله برحسب راه حل مورد نظر یا غفلت نسبت به موضوعاتی که با اقدامات ترجیح داده شده انطباق ندارد، دوری کنند. بنابراین سیاست‌مداران فقط از تاریخ درس نمی‌آموزند، بلکه به عنوان تابلوی راهنمایی از تفاوت بهره می‌گیرند (Beddie, 2010: 1). پیرسون حتی رویکرد تاریخی را به عنوان یک رویکرد جدید به خط مشی‌گذاری و مدیریت امور عمومی دولت بیان کرده و تأکید کرده است که «جهان اجتماعی با فراگردهایی که در طول زمان شکل می‌گیرند، مشخص می‌شود» (Pierson, 2005: 10). روس حتی رویکرد استفاده از تاریخ در حل مسئله عمومی را با نقل داستان در خط مشی‌گذاری و توجه به آن در مدیریت دولتی یکی دانسته است (Reuss, 1988: 41).

در مجموع، هشت کاربرد زیر به عنوان دیدگاه موافقان استفاده از تاریخ برای مدیریت دولتی در وضع کنونی در جدول زیر خلاصه شده است (شاه‌آبادی و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۰).

انواع استفاده	دلایل موافقان استفاده از تاریخ برای مدیریت دولتی
توصیف	توصیف دقیق رویدادهای گذشته
طبقه‌بندی	طبقه‌بندی پدیده‌ها با توجه به وجوه اشتراک و افتراقشان (دانش‌فرد، ۱۳۸۹).
تبیین	تلاش برای کشف روابط علی و معلولی (دانش‌فرد، ۱۳۸۹).
گسترده کردن دید	فهم خاستگاه مسائل کنونی با داشتن دیدگاهی وسیع‌تر نسبت به تاریخ آن مسائل (Postnote, 2009).
الهام‌بخشی	بخشی از تاریخ به ارایه نمونه‌ای به قصد الهام گرفتن اختصاص یافته است (Postnote, 2009).

ارائه راهنمایی‌های عملی	نشان دادن شیوه دیگر اداره و کمک به نقد شیوه‌های کنونی
نظریه‌پردازی	استخراج نظریه‌ای قابل تعمیم از درون مطالعات تاریخی ^۱
پیش‌بینی	پیش‌بینی از طریق استفاده از نظریات تاریخی و یافتن مشابهت‌های وضع کنونی با گذشته

روش پژوهش

از آنجا که ماهیت موضوع این تحقیق تجزیه و تحلیل منابع است، برای گردآوری داده‌های تحقیق از اسناد و مدارک در حوزه حکومت‌داری امیرکبیر نیز استفاده شده است. این نحوه گردآوری داده‌ها به تحلیل اسنادی معروف است. روش اسنادی به همه شیوه‌هایی گفته می‌شود که در آنها هدف پژوهش با مطالعه، تحلیل و بررسی اسناد و متون برآورده می‌شود (Scott, 2006: 802). در این روش منابع اصلی مورد استفاده، کتب و مدارکی است که از دوره‌های گذشته به جای مانده و به دو مرحله «مطالعه اولیه» و «مطالعه اکتشافی» تقسیم می‌شود. در این پژوهش نیز در مطالعه اولیه به شناسایی منابع پرداخته شده و در مطالعه اکتشافی، منابع اعم از منابع اولیه و منابع تحلیلی مورد بررسی و تحلیل تفسیرمحور قرار گرفته است؛ زیرا این مطالعه روش مطالعه نظام‌مند و دقیق گذشته است که در آن دربارهٔ وجوه یک واقعه یا یک فرد مطالعه می‌شود و ناگزیر از تحلیل تفسیری برخی منابع در راستای روش اسنادی خواهیم بود. بنابراین با توجه به اینکه این پژوهش کیفی و همراه با اکتشاف، توصیف، تبیین و تفسیر است، رویکرد استقرایی است و سعی شده داده‌های گردآوری شده به کوچک‌ترین اجزای ممکن تقسیم شود؛ سپس این اجزاء در کنار یکدیگر قرار داده شوند و در یک فرایند طولانی از تعامل مستمر با جامعه مورد مطالعه و مقایسه اجزاء با هم، به تحلیل و تفسیری برسد که پاسخگوی پرسش اصلی تحقیق باشد. بر همین اساس، در این تحقیق از روش اسنادی با نظام استقرایی استفاده شده است.

جامعه آماری و نمونه‌گیری مرحله اول

حوزه پژوهش (جامعه آماری) در این مطالعه و در مرحله اول، کتاب‌های قابل دسترس و غیرقابل دسترس است؛ اعم از اسناد و مدارک و منابع دست اول نظیر نامه‌های تاریخی و منابع

۱. برای مثال، توین‌بی در اثر ارزشمند خود به نام بررسی تاریخ کوشیده است به کشف قوانین حاکم بر بشر و تکامل تمدن‌ها بپردازد و این کار را با بررسی تطبیقی جوامع مختلف انجام داده است (موسوی، ۱۳۸۷: ۱۰۲).

دست دوم و تحلیلی.

در مرحله اول، بیشتر کتب و مقالات و منابع موجود در کتابخانه‌های چاپی و الکترونیک در حوزه حکومت‌داری امیرکبیر، حوزه پژوهش این تحقیق است؛ بنابراین در این مطالعه ابتدا اقدامات امیرکبیر از طریق بررسی منابع دست اول، از جمله نامه‌های امیر و کتب تاریخی هم‌عصر امیر استخراج شده و سپس به واکاوی اقدامات امیر و نقد و بررسی اقدامات او از طریق منابع دست دوم و منابع تحلیلی پرداخته شده است. در واقع، حوزه پژوهش (جامعه آماری) این مطالعه، اسناد و مدارک دست اول و منابع تحلیل تاریخی است.

روش و ابزار جمع‌آوری اطلاعات مرحله اول

ابزار جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها در مرحله اول تحقیق، فیش‌ها و یادداشت‌هایی است که به منظور ثبت مفاهیم، مقوله‌ها، تم و ابعاد حکومت‌داری امیرکبیر از آنها استفاده شده است. این فیش‌ها و یادداشت‌ها فرم استاندارد خاصی نداشته و در هر مورد مطابق نیاز تهیه شده است. در مرحله اول، متون مرتبط با هدف اصلی پژوهش انتخاب شدند، سپس متون منتخب مورد مطالعه قرار گرفتند و جملات و پاراگراف‌های مرتبط با سؤالات پژوهش انتخاب شدند. در مرحله دوم، مفاهیم مرتبط با موضوع از هر پاراگراف استخراج شد و در مرحله سوم مفاهیم استخراج شده در دسته‌های هم‌مفهوم قرار گرفتند (مقوله). در مرحله چهارم برای دسته‌های هم‌مفهوم نام و عنوان مناسب که بیانگر تم اصلی پژوهش است (تم)، تبیین شده و در نهایت ابعاد اصلی پژوهش به دست آمده است. نتایج این مطالعات به استخراج مفاهیم، مقوله‌ها، تم‌ها و ابعاد حکومت‌داری امیرکبیر به منظور ارائه الگوی مدیریت دولتی منجر شده است.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات با استفاده از نظام مقوله استقرائی بوده است. مقوله‌بندی مطالب در تحلیل محتوای مقوله‌ای بدون در نظر داشتن هیچ‌گونه پیشینه تئوریک، همزمان با مطالعه متن آغاز شده و با توجه به موضوع، مرحله به مرحله به تعیین واحد معنا و فشرده ساختن آن پرداخته شده است. در صورت داشتن زمینه‌ای مشترک، مفاهیم ادغام شده تا مقوله تعیین شود و سپس مفهوم کلی که حاصل جمع‌بندی این مقوله‌هاست، حاصل شده است. برای حفظ پایایی، بازبینی مطالب در دو مرحله صورت گرفته است. مرحله اول، پس از اینکه بین ده تا پنجاه درصد مقوله‌بندی‌ها تکمیل شد؛ و مرحله دوم، در پایان کار و زمان تکمیل همه مقوله‌ها.

یافته‌های پژوهش

پس از مطالعه منابع دست اول و منابع تحلیلی به صورت هدفمند، جملات و پاراگراف‌های مرتبط با موضوع تحقیق استخراج شد و پس از دسته‌بندی مفاهیم؛ مقوله‌ها، تم‌ها و ابعاد بیرون کشیده شد. ۱۸۷ مفهوم، ۳۱ مقوله، ۱۳ تم و ۶ بعد درباره حکومت‌داری امیرکبیر به دست آمده که طی جداول و نمودارهای ۱-۱ تا ۱-۶ آورده شده است. استخراج مدل (مفهوم، مقوله، تم، بعد) توسط کانون خبرگان انجام شده است.

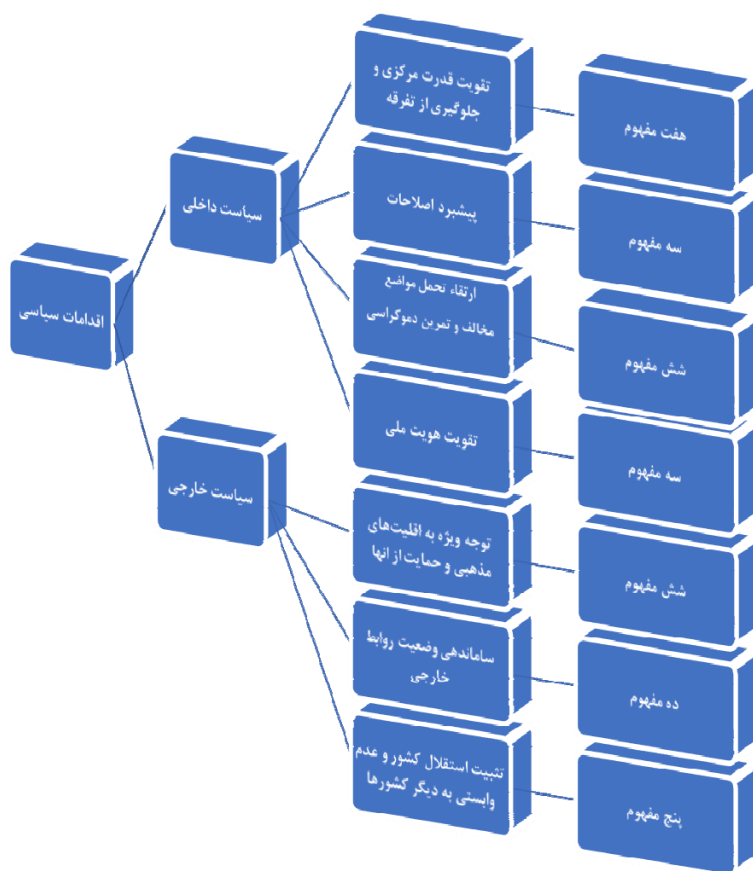
جدول ۱-۱. بُعد، تم‌ها، مقوله‌ها و مفاهیم در حوزه اقدامات سیاسی

مقوله	مفهوم
تثبیت استقلال کشور و عدم وابستگی به دیگر کشورها	<p>۱. تلاش برای کاهش نفوذ کشورهای استعمارگر در کشور (مکی، ۱۳۶۶: ۳۴).</p> <p>۲. تمرکز بر جریان اصلاحات و توسعه با وجود نارضایتی کشورهای رقیب (پولاک، ۱۳۶۱: ۵۵).</p> <p>۳. عدم اجازه به کشورهای خارجی برای داشتن هرگونه پایگاه در کشور به جز سفارتخانه (اقبال آشتیانی، ۱۳۶۱: ۱۲۵؛ تیموری، ۱۳۳۲: ۵۴؛ Algar, 2012: 961).</p> <p>۴. لغو همه مجوزها و امتیازات اعطایی دولت‌های گذشته به کشورهای دیگر که به سوء استفاده‌های سیاسی منجر می‌شد (اقبال آشتیانی، ۱۳۶۱: ۴۵، ۱۲۵؛ تیموری، ۱۳۳۲: ۶۳؛ Algar, 2012: 961).</p> <p>۵. عدم وابستگی به دیگر کشورها در تصمیم‌گیری (واتسون، ۱۳۵۶: ۲۷۳).</p>
تقویت قدرت مرکزی و جلوگیری از تفرقه	<p>۱. تلاش برای کاهش نفوذ نهادهای مذهبی در بین مردم (لمبتون، ۱۳۷۹: ۱۲۰؛ بشیریه، ۱۳۸۰: ۴۳).</p> <p>۲. توجه به روابط سفارتخانه‌ها با افراد صاحب‌نفوذ نهادهای مذهبی در کشور و برخورد با هرگونه روابط خارج از عرف سفارتخانه‌ها.</p> <p>۳. توجه به وحدت و تمرکز قدرت ملی و پیشگیری از هرگونه تفرقه‌افکنی (مکی، ۱۳۶۶: ۶۵).</p> <p>۴. نام‌گذاری همه اصلاحات به نام دولت و ارائه تعریف واحد از دولت (دهقان، ۱۳۴۸: ۱۴۸).</p> <p>۵. حفظ مشروعیت و اقتدار دولت به عنوان اصل سیاسی (اکبری، ۱۳۹۳: ۹۴).</p> <p>۶. ایجاد تمرکز در تعیین و اخذ درآمدهای ایالات براساس تقویت دولت مرکزی (آدمیت، ۱۳۸۹: ۲۷۹).</p> <p>۷. جلوگیری از دخالت حاکمان ایالات در درآمدهای آن ایالات.</p>

مقوله	مفهوم
توجه ویژه به اقلیت‌های مذهبی و حمایت از آنها	<p>۱. برعهده گرفتن سرپرستی اقلیت‌ها به‌طور کامل و عدم اجازه دخالت به کشورهای خارجی (آدمیت، ۱۳۸۹: ۲۲۳).</p> <p>۲. مشارکت دادن اقلیت‌های مذهبی در اداره امور کشور (آدمیت، ۱۳۸۹: ۳۰۷-۳۱۴).</p> <p>۳. توجه به اقلیت‌های مذهبی به منظور پیشگیری از تمسک آنها به کشورهای دیگر، ایجاد تفرقه و حامی‌یابی (Algar, 2012: 963).</p> <p>۴. تقویت بنیه مالی اقلیت‌ها از طریق معاف کردن بخشی از فعالیت‌های آنان از پرداخت مالیات (Algar, 2012: 962).</p> <p>۵. ایجاد ساختار جدید در محاکم قضایی برای حمایت از اقلیت‌های مذهبی (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۲/۱۰۵۰).</p> <p>۶. دخالت دادن اقلیت‌ها در ارتش و دفاع از کشور (Algar, 2012: 963).</p>
تقویت هویت ملی	<p>۱. تقویت هویت ملی با امتیاز دادن به ایرانیان در برابر خارجی‌ها در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی.</p> <p>۲. تقویت هویت ایرانی و ارزش دادن به ایرانیان در مقابل اتباع خارجی (مکی، ۱۳۶۶: ۱۳۳).</p> <p>۳. حمایت همه‌جانبه از اتباع ایرانی اسیر شده و زندانی و تلاش برای بازپس‌گیری آنها (سارلی، ۱۳۷۳: ۷۵؛ مستوفی، ۱۳۴۱: ۴۱/۱).</p>
ساماندهی وضعیت روابط خارجی	<p>۱. در دست داشتن ابتکار عمل در تعاملات دیپلماتیک (تیموری، ۱۳۳۲: ۲۸۸).</p> <p>۲. اجرای سیاست موازنه منفی و استفاده از نیروهای سوم برای تعادل‌بخشی در روابط سیاسی (کاوه جبلی، ۱۳۷۱: ۱۰۸).</p> <p>۳. توجه و نظارت شدید بر رفت‌وآمدهای افراد به سفارتخانه‌های دیگر کشورها برای جلوگیری از هرگونه توطئه (آدمیت، ۱۳۸۹: ۸۵).</p> <p>۴. بر هم زدن معادله قدرت در خلیج فارس با طرح دوستی با کشورهای تأثیرگذار (یسلسون، ۱۳۶۸: ۵۷).</p> <p>۵. تعریف دستورالعمل برای مذاکرات و مشخص کردن روش مذاکره با سفرای دیگر کشورها.</p> <p>۶. انتخاب و تربیت مأموران کشوری مقیم خارج از کشور (اقبال آشتیانی، ۱۳۶۱: ۴۳).</p> <p>۷. عدم اجازه ورود اتباع دیگر کشورها به کشور بدون گذرنامه (تذکره) (آدمیت، ۱۳۸۹: ۱۴۰).</p> <p>۸. عدم توجه به تقاضای سفارتخانه دیگر کشورها درباره میانجی‌گری برای افراد.</p> <p>۹. رعایت احترام سیاسی و آداب دیپلماتیک با کشورهای دیگر (آدمیت، ۱۳۸۹: ۹۵۰).</p> <p>۱۰. ایجاد و تقویت ساختار حقوقی سفارتخانه‌های کشور در دیگر کشورها (آل داوود، ۱۳۷۱: ۴۴).</p>

مقوله	مفهوم
ارتقای تحمل مواضع مخالف و تمرین دموکراسی	<p>۱. * بالا بردن تساهل و تسامح در برخورد با مخالفان (اکبری، ۱۳۹۳: ۴۴).</p> <p>۲. تساهل و تسامح با دگراندیشان دینی.</p> <p>۳. * عدم اعمال رفتار مستبدانه و دیکتاتورمآبانه در حکمرانی (کاتوزیان، ۱۳۷۳: ۹۶).</p> <p>۴. * اجتناب از ایجاد رعب و وحشت در اجتماع درباره تنبیه مجرمان (دوگوبینو، ۱۳۶۷: ۲۲۸).</p> <p>۵. * گفت‌وگو با مخالفان و پرهیز از به حاشیه راندن آنان (پرنیانی، ۱۳۹۳: ۳۸؛ رنانی، ۱۳۹۶).</p> <p>۶. * برطرف کردن مدبرانه سوءظن‌ها درباره نحوه حکمرانی (پیرنیا و اقبال اشتیانی، ۱۳۸۱: ۸۲۸).</p> <p>۷. * بالا بردن تحمل سیاسی در مقابل منتقدان.</p>
پیشبرد اصلاحات	<p>۱. پیشبرد اقدامات اصلاح‌گرایانه با توجه به میزان ظرفیت جامعه (حجاریان، ۱۳۹۰).</p> <p>۲. ایجاد تحول عقلانی و تربیت نیروی روشنفکر در سطح جامعه از طریق تأسیس مراکز علمی مدرن (آدمیت، ۱۳۸۹: ۲۵۵).</p> <p>۳. توجه به جان‌شین‌پروری و عدم انحصار امور مهم صرفاً در دست حکمران (Binder, 1962: 105).</p>

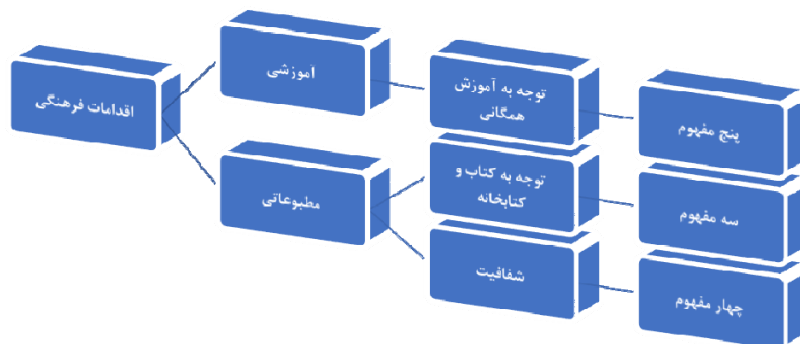
نمودار ۱-۲. (۴۰ مفهوم ← ۷ مقوله ← ۲ تم ← ۱ بعد)



جدول ۲-۱. بُعد، تم‌ها، مقوله‌ها و مفاهیم در حوزه اقدامات فرهنگی

مقوله	مفهوم
توجه به آموزش همگانی	<p>۱. توجه به آموزش و تلاش برای همگانی کردن آموزش.</p> <p>۲. الگوبرداری از آموزش کشورهای توسعه‌یافته (آدمیت، ۱۳۸۹: ۳۸۰).</p> <p>۳. توجه به انتشار، چاپ و ترجمه کتاب‌ها.</p> <p>۴. استخدام مربی از کشورهای توسعه‌یافته بدون مقاصد سیاسی (استعماری) به منظور آموزش.</p> <p>۵. ساده شدن نثر فارسی در مکاتبات اداری از طریق ترجمه آثار و توجه به امر ترجمه.</p>
شفافیت	<p>۱. راه‌اندازی رسانه به عنوان ابزار اطلاع‌رسانی فعالیت‌های دولت.</p> <p>۲. توجه به اصل شفافیت و اطلاع‌رسانی از طریق روزنامه (آدمیت، ۱۳۸۹: ۲۴۹).</p> <p>۳. خلاقیت در تأمین هزینه‌های انتشار روزنامه به منظور تداوم انتشار (هدایت، ۱۳۳۹: ۲۰۰؛ شیل، ۱۳۶۸: ۱۰۰).</p> <p>۴. تعریف ساز و کارهای مشارکت عمومی در چاپ و نگهداشت روزنامه‌ها.</p>
توجه به کتاب و کتابخانه	<p>۱. وارد کردن کتاب‌های ارزشمند از کشورهای توسعه‌یافته.</p> <p>۲. توجه به اصل ترجمه به منظور استفاده از دستاوردهای کشورهای توسعه‌یافته.</p> <p>۳. راه‌اندازی و توسعه چاپخانه‌ها</p>

نمودار ۲-۲. (۱۲ مفهوم ← ۳ مقوله ← ۲ تم ← بعد)



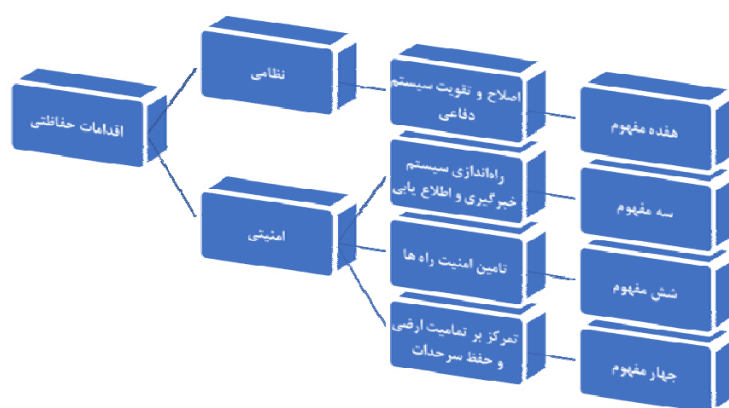
جدول ۳-۱. بُعد، تم‌ها، مقوله‌ها و مفاهیم در حوزه اقدامات حفاظتی

مقوله	مفهوم
راه‌اندازی سیستم خبرگیری و اطلاع‌یابی	<p>۱. آگاهی داشتن از امور ایالات خاصه از لحاظ نظامی و امنیت عمومی از طریق خبرگیری.</p> <p>۲. آگاهی داشتن از فعالیت سفارتخانه‌ها از طریق سیستم خبرگیری و جلوگیری از هرگونه توطئه (شهرام‌نیا و اسکندری، ۱۳۸۹: ۳۱۶؛ محمدخان، ۱۳۱۳: ۲۱۷).</p> <p>۳. ایجاد رعب در جامعه درباره هرگونه توطئه با تقویت سیستم خبررسانی دولت (رائین، ۱۳۶۲: ۱۲۵؛ مکی، ۱۳۶۶: ۱۰۲).</p>
اصلاح و تقویت سیستم دفاعی	<p>۱. توجه به استقلال نیروهای نظامی و ارتش در همه بخش‌ها.</p> <p>۲. اصلاحات مستمر در روش تأمین نیروی نظامی.</p> <p>۳. تقویت بنیه علمی و آموزشی ارتش از طریق تعلیمات نظامی افسران ارتش (لمبتون، ۱۳۷۹: ۱۱؛ منخبر، ۱۳۴۰: ۱۳۲؛ قائم‌مقامی، ۱۳۴۶: ۷۴).</p> <p>۴. حفاظت از مرزها با کمک مرزنشینان و تعریف دسته‌های نظامی از آنان.</p> <p>۵. تلاش برای استقلال در تولید اسلحه و تجهیزات نظامی.</p> <p>۶. توزیع کارخانه‌های تولید اسلحه در سطح کشور (آدمیت، ۱۳۸۹: ۲۵۰).</p> <p>۷. تدوین مجموعه قوانین، دستورالعمل‌ها و شیوه‌نامه‌ها درباره ارتش.</p> <p>۸. تهذیب اخلاق نظامی‌گری.</p> <p>۹. ساماندهی وضعیت حقوق، امکانات و رفاهیات نظامیان.</p> <p>۱۰. تقویت ارتش و قدرت نظامی از طریق خرید تجهیزات نظامی.</p> <p>۱۱. تقویت نیروی زمینی و دریایی به‌طور یکسان.</p> <p>۱۲. تأمین همه احتیاجات مالی ارتش و حذف سنت‌های نامعقول^۱ تأمین درآمد ارتش (آدمیت، ۱۳۸۹: ۱۲۳).</p> <p>۱۳. ایجاد انضباط نظامی و جلوگیری از تعدی نظامیان به مردم (آل‌داوود، ۱۳۷۱: ۱۵۷).</p> <p>۱۴. تعریف شغل نظامی‌گری به عنوان شغلی مستقل (آدمیت، ۱۳۸۹: ۴۴۰).</p> <p>۱۵. اصلاح سازمان نظامی از طریق طبقه‌بندی دسته‌ها و درجات (قائم‌مقامی، ۱۳۴۶: ۷۱؛ معتمدی، ۱۳۶۴: ۱۰۷؛ منخبر، ۱۳۴۰: ۱۳۲).</p> <p>۱۶. وارد کردن بخش خصوصی به خرید و تجارت اسلحه و تقویت سیستم دفاعی از طریق بخش خصوصی.</p> <p>۱۷. عدم درخواست کمک از دیگر کشورها در دفع شورش‌های داخلی و اتکاء صرف به نیروهای داخلی و ملی (کجباف و هادیان، ۱۳۹۰: ۱۲۱).</p>

۱. حذف سنت «سیورغال» (تأمین هزینه‌های ارتش از روستاها و شهرهای مسیر).

مقوله	مفهوم
تأمین امنیت فراگیر در راه‌ها	<p>۱. ایجاد زیرساخت‌های عمرانی، تأمین امنیت در همه شهرها و به کارگیری نیروی انسانی کافی (بروگش، ۱۳۶۷: ۲۲/۱؛ آدمیت، ۱۳۸۹: ۳۰۱؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۱۰۵۱/۲).</p> <p>۲. ایجاد ابتکار و نوآوری در تأمین امنیت (آل‌داوود، ۱۳۷۱: ۱۵۷).</p> <p>۳. تقویت قدرت مرکزی از طریق سرکوب شورش‌های کلان و خرد.</p> <p>۴. پیشگیری از سیاست‌های تفرقه‌افکنانه دول بیگانه از طریق دفع فوری شورش‌های بزرگ.</p> <p>۵. همراه کردن نخبگان و بدنه مدیریت کشور در دفع شورش‌ها.</p> <p>۶. جدا کردن بدنه جامعه از عناصر بحران‌آفرین در شورش‌ها.</p>
تمرکز بر تمامیت ارضی و حفظ سرحدات	<p>۱. تمرکز بر تمامیت ارضی کشور و پیشگیری از هرگونه سیاست مداخله‌جویانه کشورهای خارجی.</p> <p>۲. تلاش برای تثبیت سیطره و حاکمیت کشور بر مناطق جنوب خلیج فارس (آدمیت، ۱۳۸۹: ۵۲۵).</p> <p>۳. توجه به تعیین دقیق خطوط مرزی برای جلوگیری از تجاوز دیگر کشورها.</p> <p>۴. پیش گرفتن سیاست مماشات با دیگر دول درباره مناطق تحت تسلط آنان (آدمیت، ۱۳۸۹: ۳۳۰).</p>

نمودار ۲-۳. (۳۰ مفهوم ← ۴ مقوله ← ۲ تم ← ۱ بعد)



جدول ۴-۱. بُعد، تم‌ها، مقوله‌ها و مفاهیم در حوزه اقدامات بروکراتیک

مقوله	مفهوم
توجه به اصل درآمدزایی و در اختیار گرفتن همه منابع درآمدی کشور	<p>۱. در اختیار گرفتن همه منابع درآمدی کشور اعم از شیلات و غیره (تیموری، ۱۳۳۲: ۱۱۳؛ اقبال آشتیانی، ۱۳۶۱: ۶۵).</p> <p>۲. خارج کردن منابع درآمدی کشور از تسلط دیگر کشورها (تیموری، ۱۳۳۲: ۴۵؛ اقبال آشتیانی، ۱۳۶۱: ۶۵).</p> <p>۳. ساماندهی و تصرف دوباره املاک مربوط به حکمران.</p> <p>۴. أخذ اجاره از املاکی که توسط سفارتخانه‌ها تصرف شده بودند (آدمیت، ۱۳۸۹: ۲۸۰).</p> <p>۵. ایجاد درآمد از طریق در اختیار گرفتن کامل گمرک (آدمیت، ۱۳۸۹: ۴۱۵؛ عیسوی، ۱۳۶۲: ۱/۱۲۱؛ انتنر، ۱۳۶۹: ۱۲۵).</p> <p>۶. توجه به صنعت و تجارت به عنوان مهم‌ترین منبع درآمدزایی کشور.</p> <p>۷. حمایت‌های مالی از معدن‌داران به منظور ایجاد درآمد و تولید ثروت در کشور.</p> <p>۸. لغو مالیات‌های بی‌موضوع (مکی، ۱۳۶۶: ۲۴۴).</p> <p>۹. اصلاح روش أخذ مالیات از زمین از طریق اصلاح روش‌های تعیین بهای زمین.</p> <p>۱۰. در نظر گرفتن تخفیف‌های مالیاتی برای کاهش فشار بر اقشار ضعیف (بروگش، ۱۳۶۷: ۱۰۴).</p> <p>۱۱. جلوگیری از تعدی مدیران دولتی به مردم از طریق ایجاد تمرکز در أخذ مالیات و دخل و خرج ایالات و جدا کردن امر حکومت ایالات از أخذ مالیات.</p> <p>۱۲. أخذ مالیات‌های عقب‌افتاده (مستوفی، ۱۳۴۱: ۱/۷۲).</p>
ساماندهی ادارات و سیستم اداری	<p>۱. به کارگیری بروکراسی نوین به منظور ساماندهی مکاتبات سفارتخانه‌ها و جلوگیری از نابسامانی (مکی، ۱۳۶۶: ۴۴).</p> <p>۲. رفع عارضه‌های بروکراسی اداری از طریق ساده کردن مکاتبات و حذف القاب در مکاتبات اداری (دوگوبینو، ۱۳۶۷: ۲۲۸؛ ازجان، ۱۳۸۲: ۳۷؛ واتسون، ۱۳۵۶: ۲۷۲).</p> <p>۳. ساده و قابل فهم کردن مکاتبات به منظور نزدیک شدن سیستم اداری به سطح جامعه و کم کردن فاصله بین مردم و دیوانیان (علیزاده بیرجندی، حمیدی و ملکزاده، ۱۳۹۶: ۸۳).</p>

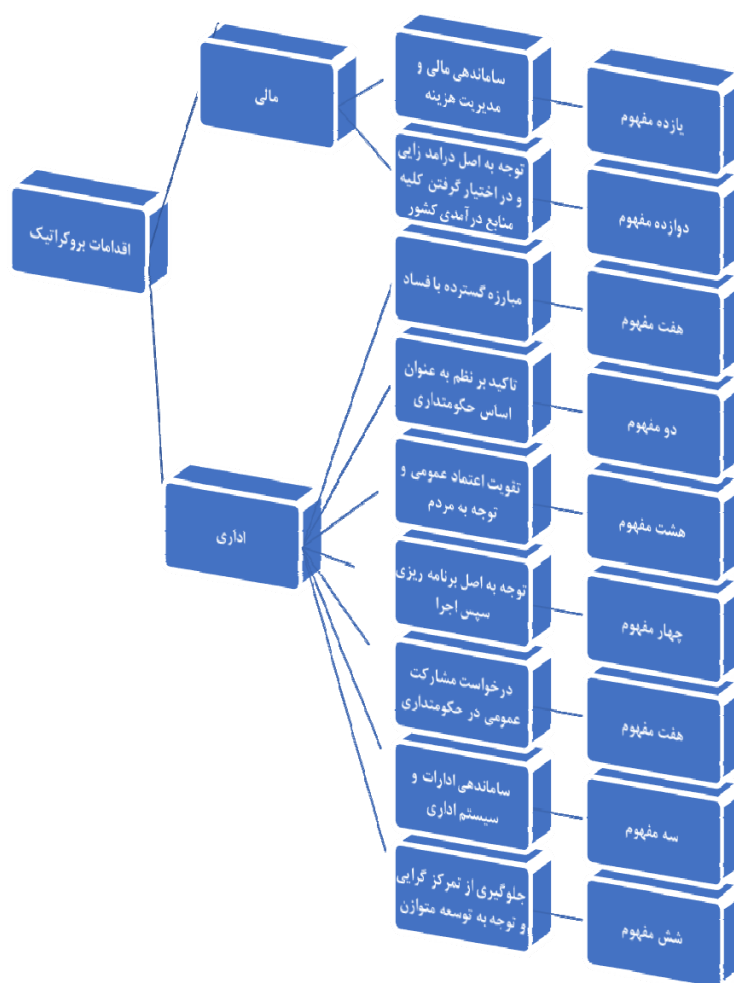
مقاله	مفهوم
مبارزه گسترده با فساد	<p>۱. مبارزه با رشوه‌خواری و ممنوعیت سایر پرداخت‌ها نظیر پیشکش و مداخل به صاحبان منصب (مستوفی، ۱۳۴۱: ۱/۲۰۱؛ امانت، ۱۳۸۳: ۲۷۶؛ دوگوبینو، ۱۳۶۷: ۱۰۳؛ واتسون، ۱۳۵۶: ۳۰۵).</p> <p>۲. نظارت شدید بر دخل و خرج ایالات و جلوگیری از هرگونه فساد مالی.</p> <p>۳. جلوگیری از اصراف‌گرایی مدیران دولتی.</p> <p>۴. کوچک‌سازی دولت و لغو پرداخت‌های بدون موضوع، از جمله القاب و عناوین صوری (آدمیت، ۱۳۸۹: ۳۸۹؛ زیباکلام، ۱۳۷۹: ۲۱۱).</p> <p>۵. مبارزه با فساد در ادارات از طریق لغو خرید و فروش مشاغل و حکومت ایالات.</p> <p>۶. تدوین بخشنامه برای تعیین روش واگذاری پست‌های حکومتی (سایکس، ۱۳۷۰: ۲/۴۹۰).</p> <p>۷. جلوگیری از فساد اداری با تدوین مقررات و دستورالعمل‌های مشخص مالی (براساس مقررات مالی کشورهای توسعه‌یافته در این زمینه (یکتایی، ۱۳۵۲: ۱۴۸).</p>
جلوگیری از تمرکزگرایی و توجه به توسعه متوازن	<p>۱. برنامه‌ریزی برای نظارت بر توسعه متوازن ایالات از طریق سفرهای استانی (اقبال آشتیانی، ۱۳۶۱: ۴۵).</p> <p>۲. تثبیت اقتدار سیاسی حکمران از طریق برنامه‌ریزی برای مشاهده مستقیم توسعه استان.</p> <p>۳. تدوین و اجرای برنامه‌های توسعه متناسب با جغرافیایی هر منطقه.</p> <p>۴. توجه به دخل و خرج ایالات به منظور توسعه متوازن (آدمیت، ۱۳۸۹: ۲۷۷).</p> <p>۵. توجه به عمران و آبادی در همه ایالات و جلوگیری از تمرکزگرایی (مکی، ۱۳۶۶: ۱۲۵).</p> <p>۶. توجه به مرمت بناهای تاریخی در همه ایالات.</p>
ساماندهی مالی و مدیریت هزینه	<p>۱. سروسامان دادن به بدهی‌های دولت قبل (مستوفی، ۱۳۴۱: ۱/۶۹).</p> <p>۲. رعایت انصاف و أخذ رضایت از طلبکاران دولت قبل.</p> <p>۳. حفاظت از دارایی‌های عمومی و عدم پرداخت بدهی‌های بدون توجیه دولت قبل (آدمیت، ۱۳۸۹: ۲۷۰).</p> <p>۴. تعریف ضوابط و دستورالعمل برای سندهای مالی و پذیرفتن سندهای مالی دولتی (پولاک، ۱۳۶۱: ۱۲۴؛ بروگش، ۱۳۶۷: ۱۴۰).</p>

مقوله	مفهوم
	<p>۵. محترم شمردن بدهی‌های معقول دولت قبل (اقبال آشتیانی، ۱۳۶۱: ۷۸؛ مستوفی، ۱۳۴۱: ۶۸/۱).</p> <p>۶. ساماندهی و ایجاد نظم در امور دخل و خرج کشور.</p> <p>۷. کاهش هزینه از طریق تعدیل حقوق مستمری‌بگیران (سپهر، ۱۳۸۵: ۳/۵۴؛ ورجاوند، ۱۳۷۲: ۱۱۶).</p> <p>۸. بودجه‌ریزی بدون کسری.</p> <p>۹. اصلاح رسوم غلط گذشته در حوزه بودجه‌ریزی (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۱۰۴۹/۲).</p> <p>۱۰. تثبیت نرخ پول و پیشگیری از تورم.</p> <p>۱۱. تمرکز بر کاهش هزینه‌ها و افزایش درآمد (آدمیت، ۱۳۸۹: ۲۶۶؛ مستوفی، ۱۳۴۱: ۱/۷۵؛ سایکس، ۱۳۷۰: ۲/۱۷۱).</p>
<p>درخواست مشارکت عمومی در حکومت‌داری</p>	<p>۱. رفتار سیاسی با عوامل داخلی در حکمرانی و استفاده از ظرفیت افراد در اداره کشور (اعتمادالسلطنه، ۱۳۴۹: ۲۱۹؛ پرنیانی، ۱۳۹۳: ۳۸).</p> <p>۲. توجه به تخصص در امر حکومت‌داری و استفاده از کارشناسان مربوطه برای تصمیم‌گیری‌های تخصصی.</p> <p>۳. اعلام عمومی مبنی بر مشارکت در برنامه‌ریزی کلان حکومتی و ارائه راهکار سیاست‌گذاری (قزوینی، ۱۳۷۰: ۱).</p> <p>۴. تقویت احساس مشترک میان اعضای جامعه و ایجاد ارتباط بین مردم و دولت (Algar, 2012: 960).</p> <p>۵. أخذ نظر از تجار و بازرگانان براساس اصل مشارکت اجتماعی.</p> <p>۶. مشارکت دادن اقشار مختلف در امر حکومت‌داری.</p> <p>۷. استفاده از بطن جامعه و پیشبرد اهداف اصلاح‌گرایانه از طریق جامعه مدنی (اکبری، ۱۳۹۳: ۵۳).</p>
<p>توجه به اصل برنامه‌ریزی و سپس اجرا</p>	<p>۱. توجه به اصول اولیه برنامه‌ریزی، از جمله نقشه‌برداری از راه‌ها و مناطق (انتنر، ۱۳۶۹: ۱۲۵).</p> <p>۲. برنامه‌ریزی بلندمدت و زمان‌بندی شده برای مدیریت دولتی با رویکرد جزئی تدریجی در سیاست‌گذاری (پرنیانی، ۱۳۹۳: ۳۸).</p> <p>۳. توجه به راهکارهای اجرای احکام حکومتی بعد از ابلاغ حکم (آدمیت، ۱۳۸۹: ۳۳۴).</p> <p>۴. شناخت و آگاهی از نیازهای اساسی در کشور و برنامه‌ریزی برای رفع آن.</p>

مقوله	مفهوم
<p>تقویت اعتماد عمومی و توجه به مردم</p>	<p>۱. توجه به مردم و منفعت عمومی در همه اقدامات اصلاحی. ۲. * پرهیز از توجه صرف به دهک اول جامعه و اقشار بانفوذ اجتماع. ۳. محدود کردن هر نوع مدیحه سرایی و تبلیغات خلاف واقع به نفع دولت. ۴. توجه به اقشار آسیب پذیر و برنامه ریزی برای حمایت دولت از آنان. ۵. * اطلاع رسانی به مردم از روند اصلاحات و اقدامات در دیگر کشورها. ۶. * رعایت عدالت و عدم انتصاب خویشاوندان و نزدیکان در حکمرانی. ۷. پیشقدم بودن در امور بشردوستانه و همراهی با کشورهای توسعه یافته در این زمینه (آدمیت، ۱۳۸۹: ۸۹). ۸. ایجاد امکان نظارت مردم بر فعالیت های دولت و رسیدگی به خواسته های آنان.</p>
<p>تأکید بر نظم به عنوان اساس حکومت داری</p>	<p>۱. توجه به نظم در همه دستورات و اقدامات حکومتی به منظور پیشگیری از سودجویی و فساد. ۲. ساماندهی و ایجاد نظم در امور دخل و خرج کشور (آدمیت، ۱۳۸۹: ۱۹۹).</p>

۱. موارد ستاره دار براساس نقد شیوه حکومت داری امیر استخراج شده است.

نمودار ۴-۲. (۶۰ مفهوم ← ۹ مقوله ← ۲ تم ← ۱ بعد)



جدول ۵-۱. بُعد، تم‌ها، مقوله‌ها و مفاهیم در حوزه اقدامات اجتماعی

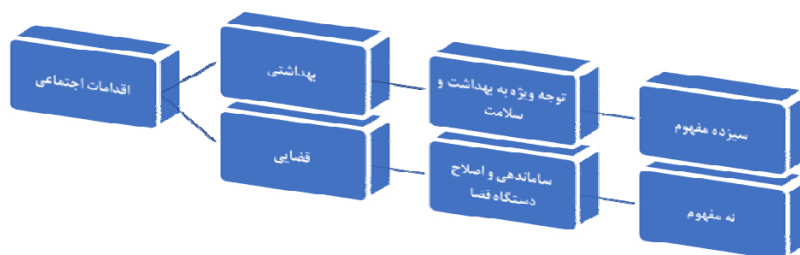
مقوله	مفهوم
ساماندهی و اصلاح دستگاه قضا	<p>۱. توجه به رفتارهای بشردوستانه و انسانی در حوزه قضا.</p> <p>۲. تدوین مقررات و دستورالعمل‌های مشخص در صدور احکام قضایی به منظور جلوگیری از اعمال نظرات شخصی در حوزه قضا.</p> <p>۳. اشراف به مشکلات دستگاه قضا و انجام اقدامات اصلاحی در این زمینه (استقلال، ۱۳۵۲: ۱۵۵).</p> <p>۴. ایجاد سازوکار وحدت رویه در صدور احکام قضا در دادگاه‌های مختلف^۱ (اجلایی، ۱۳۷۳: ۱۰۱).</p> <p>۵. محدود کردن فعالیت‌های نهادهای مذهبی در حوزه قضا و افزایش نظارت بر آنها (استقلال، ۱۳۵۲: ۱۷۰؛ الگار، ۱۳۶۹: ۳۰۵؛ فلور، ۱۳۶۶: ۱/۱۴۷؛ شیل، ۱۳۶۸: ۱۱۷).</p> <p>۶. ایجاد سازوکار شکایت مردم از دولت در دستگاه قضا.</p> <p>۷. لغو قضاوت کنسولی در دعاوی بین ایرانیان و اتباع خارجی (استقلال، ۱۳۵۲: ۱۷۷).</p> <p>۸. آگاهی داشتن از عملکرد همه کارگزاران و اطلاع از چگونگی مدیریت آنها (آدمیت، ۱۳۸۹: ۳۴۵).</p> <p>۹. لغو سنت‌های گذشته^۲ درباره رسیدگی به محاکم قضایی (آدمیت، ۱۳۸۹: ۳۱۴)</p>
توجه ویژه به بهداشت و سلامت	<p>۱. حمایت از سیستم واکسیناسیون و هزینه‌کرد در این زمینه (ورجواند، ۱۳۷۲: ۱۱۶).</p> <p>۲. استفاده از ابزارهای تشویقی و تنبیهی برای رعایت همگانی اصول بهداشت و سلامت.</p> <p>۳. تأکید بر راهبرد افزایش جمعیت در کشور (ورجواند، ۱۳۷۲: ۱۱۵).</p> <p>۴. آموزش همگانی درباره پیشگیری و درمان بیماری‌های واگیردار.</p> <p>۵. استفاده از روزنامه (رسانه) برای اطلاع‌رسانی درباره اقدامات دولت در زمینه بهداشت و سلامت.</p> <p>۶. توجه به پروژه‌های عمرانی و تأسیس بیمارستان درباره بهداشت و سلامت (آدمیت، ۱۳۸۹: ۳۳).</p>

۱. محکمه عدالت و محکمه شرع.

۲. اقدام اصلی امیر در این زمینه لغو سنت «بست نشینی» بوده است.

مقوله	مفهوم
	<p>۷. نظارت بر فعالیت پزشکان و تعریف گواهی برای پزشکان (نظام پزشکی) برای ورود به عرصه طبابت (سعادت، ۱۳۷۰: ۹۰؛ آدمیت، ۱۳۸۹: ۳۳۵؛ هاشمیان، ۱۳۷۹: ۵۰۲؛ مکی، ۱۳۶۶: ۱۷۰).</p> <p>۸. آموزش پزشکی براساس الگوی آموزشی کشورهای توسعه‌یافته.</p> <p>۹. توجه به ظرفیت‌های جامعه مدنی برای پیشبرد اهداف دولت، فرهنگ‌سازی و آموزش همگانی در زمینه بهداشت و سلامت (آدمیت، ۱۳۸۹: ۳۳۵).</p> <p>۱۰. الگوبرداری از کشورهای توسعه‌یافته درباره پیشگیری از شیوع بیماری‌های همه‌گیر، از جمله قرنطینه‌سازی.</p> <p>۱۱. هزینه‌کرد دولت برای جبران کمبودهای حوزه سلامت در کشور، از جمله استخدام پزشکان خارجی.</p> <p>۱۲. توجه به همه نقاط کشور در ترویج اقدامات بهداشت و سلامت به‌طور یکسان (مکی، ۱۳۶۶: ۲۲۳).</p> <p>۱۳. سامان دادن به چهره شهرها از طریق جمع‌آوری متکدیان.</p>

نمودار ۵-۲. (۲۲ مفهوم ← ۲ مقوله ← ۲ تم ← ۱ بعد)

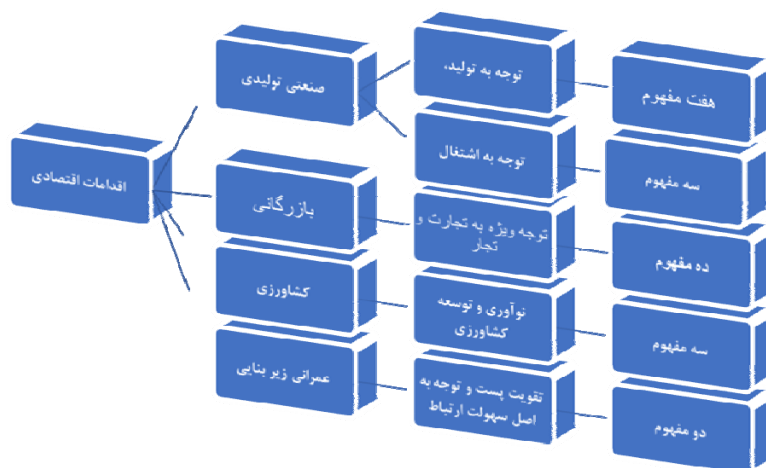


جدول ۶-۱. بُعد، تم‌ها، مقوله‌ها و مفاهیم در حوزه اقدامات اقتصادی

مقوله	مفهوم
توجه به تولید	<p>۱. حمایت از صنایع جدید و دانش‌بنیان (آل‌داوود، ۱۳۷۱: ۶۶).</p> <p>۲. حمایت از اقتباس از کالاهای تولیدی کشورهای توسعه‌یافته.</p> <p>۳. رعایت توازن در ایالات و جلوگیری از تمرکزگرایی در بحث تولید و اشتغال (Arasteh, 1962: 37).</p> <p>۴. تلاش برای در اختیار گرفتن سهمی از بازار بین‌المللی و معرفی کالاهای ایرانی (آل‌داوود، ۱۳۷۱: ۶۲).</p> <p>۵. حمایت دولت از سرمایه‌گذاران بخش صنعتی.</p> <p>۶. افزایش حقوق گمرکی واردات به منظور رشد صادرات و توجه به تولید ملی (عیسوی، ۱۳۶۲: ۱/۱۲۲؛ انتنر، ۱۳۶۹: ۱۲۵).</p> <p>۷. حمایت گسترده از تولید از طریق معافیت‌های مالیاتی و رفع موانع کسب و کار.</p>
توجه به اشتغال	<p>۱. انعقاد قراردادهای بلندمدت آموزشی و کارآفرینی با دیگر کشورها برای آموزش مشاغل و حرفه‌های تخصصی (آل‌داوود، ۱۳۷۱: ۷۴).</p> <p>۲. استفاده از کشورهای بی‌طرف برای آموزش‌های شغلی در کشور.</p> <p>۳. ارسال گروه‌های مختلف صنعتگر به دیگر کشورهای به منظور آموزش مشاغل با هزینه دولت.</p>
تقویت پست و توجه به اصل سهولت ارتباط	<p>۱. تقویت و گسترش پست به عنوان بخشی از «تنظیمات مملکتی» (دوگوبینو، ۱۳۶۷: ۹۹).</p> <p>۲. استفاده از پست به منظور نظارت بر عملکرد کارگزاران حکومت (آدمیت، ۱۳۸۹: ۳۳۲).</p>
نوآوری و توسعه کشاورزی	<p>۱. توسعه کشاورزی متناسب با ظرفیت مناطق (مستوفی، ۱۳۴۱: ۱/۱۸۰).</p> <p>۲. انجام اصلاحات عمرانی در حوزه کشاورزی به منظور توسعه زیرساخت‌های کشاورزی.</p> <p>۳. حمایت از نوآوری در کشاورزی.</p>
توجه ویژه به تجارت و تجار	<p>۱. ایجاد مرکز ملی تجارت و تجمیع تجار (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۶۵۵/۲).</p> <p>۲. توجه به اصل تجارت به منظور درآمدزایی برای مردم و دولت (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۶۵۵/۲؛ بروگش، ۱۳۶۷: ۳۲۰).</p>

مقوله	مفهوم
	<p>۳. رونق اقتصاد و تجارت از طریق توسعه راه‌ها و بهبود امنیت (مستوفی، ۱۳۴۱: ۲۸۰/۱؛ آدمیت، ۱۳۸۹: ۳۲۸).</p> <p>۴. حمایت‌های مالی از معدن‌داران برای ایجاد درآمد و تولید ثروت (آدمیت، ۱۳۸۹: ۴۰۲).</p> <p>۵. تأکید بر حمایت از تاجران ایرانی در کشورهای دیگر.</p> <p>۶. ارزش دادن به تجار کشوری و تأکید بر حفظ اعتبار و جایگاه آنان.</p> <p>۷. نظارت بر رفتار تجار ایرانی به منظور حفظ اعتبار ایران و ایرانی.</p> <p>۸. ساماندهی امور تجارت از طریق تنظیم مقررات و غیره (آل داوود، ۱۳۷۱: ۲۱۶).</p> <p>۹. برقراری سازوکارهای لازم به منظور حمایت از بازرگانان و رقابت‌های بین‌المللی.</p> <p>۱۰. توجه به قشر تجار به عنوان صاحب‌نظران اقتصادی.</p>

نمودار ۶-۲. (۲۵ مفهوم ← ۵ مقوله ← ۴ تم ← ۱ بعد)



نتیجه گیری

عرصه مدیریت دولتی، یک عرصه پیچیده است و دولت‌ها روش‌های مختلفی را برای موفقیت در این عرصه در پیش می‌گیرند. یکی از روش‌هایی که در این میان مغفول مانده، بهره‌گیری از روش‌های آزموده شده و موفق در طول تاریخ در عرصه مدیریت عمومی است. الگوی حکومت‌داری امیرکبیر براساس این مطالعه و با ساختار استقرائی براساس استخراج مفاهیم از منابع دست اول و منابع تحلیلی تاریخ با رویکرد نقد صورت گرفته است؛ چنان‌که برخی مفاهیم نیز براساس نقد شیوه حکومت‌داری امیرکبیر استخراج شده است. در نهایت ۴۰ مفهوم در بُعد اقدامات سیاسی، ۱۲ مفهوم در بُعد اقدامات فرهنگی، ۳۰ مفهوم در بُعد اقدامات حفاظتی، ۶۰ مفهوم در بُعد اقدامات بروکراتیک، ۲۲ مفهوم در بُعد اقدامات اجتماعی و ۲۵ مفهوم در بُعد اقدامات اقتصادی به خوبی نشان می‌دهد که امیر با شناخت کامل از وضعیت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه ایرانی، روش مطلوبی را برای اداره جامعه در پیش گرفته بود. با مطالعه این الگو درمی‌یابیم که با توجه به اینکه بسیاری از نهادهای فرهنگی - اجتماعی همچنان تا زمان فعلی در جامعه ایرانی حکمفرماست و بسیاری از مقولات به دست آمده همچنان به عنوان مسئله در جامعه ایرانی وجود دارد، الگوی حکومت‌داری امیر همچنان می‌تواند در راستای مدیریت دولتی مورد استفاده قرار گیرد.

منابع و مأخذ

- آدمیت، فریدون (۱۳۸۹)، *امیرکبیر و ایران*، تهران: خوارزمی.
- (۱۳۵۶)، *اندیشه ترقی و حکومت قانون (عصر سپهسالار)*، تهران: سخن.
- آل داوود، سید علی [گردآورنده] (۱۳۷۱)، *نامه‌های امیرکبیر به انضمام نوادر الامیر*، تهران: نشر تاریخ ایران.
- اجلالی، فرزاد (۱۳۷۳)، *بنیان حکومت قاجار*، تهران: نشر نی.
- احمدزاده، محمدمیر (۱۳۹۳) «بسترهای تحدید و توسعه امنیت اجتماعی در ایران عصر قاجار با تأکید بر آسیب‌شناسی نهادهای امنیت‌ساز»، *مطالعات تاریخ انتظامی*، شماره ۱، صص ۴۵-۷۴.
- احمدوند، شجاع و سمیه حمیدی (۱۳۹۲)، «چهار روایت در فهم معنای مطالعات میان‌رشته‌ای»، *فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی*، دوره ششم، شماره ۲، صص ۳۱-۵۳.
- ازجان، لورنتز (۱۳۸۲)، «اصلاح طلبان بزرگ ایران در قرن ۱۹؛ تحلیلی بر اصلاحات امیرکبیر»؛ ترجمه زهرا نوعی و سعیده مصطفوی، *مجله تاریخ پژوهی*، شماره ۱۴، صص ۲۵-۴۰.
- استقلال، حسین (۱۳۵۲)، *چهل سال در دادگستری*، شیراز: چاپخانه موسی.
- استنفورد، مایکل (۱۳۸۴)، *درآمدی بر تاریخ پژوهی*، ترجمه مسعود صادقی، تهران: انتشارات سمت و دانشگاه امام صادق (ع).

- اطهری، حسین (۱۳۹۲)، «تحلیل گفتمانی اصلاحات امیرکبیر در متون منتخب روزنامه وقایع اتفاقیه»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال هشتم، شماره ۳ (پیاپی ۳۱)، صص ۶۹-۹۸.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۴۹)، *صدرالتواریخ*، به کوشش محمد مشیری، تهران: انتشارات وحید.
- (۱۳۶۷)، *مرآة البلدان*، به کوشش عبدالحسین نوایی و میر هاشم محدث، ج ۲، تهران: دانشگاه تهران.
- اقبال آشتیانی، عباس (۱۳۶۱)، *میرزا تقی‌خان امیرکبیر*، به اهتمام ایرج افشار، تهران: خوارزمی.
- اکبری، محمدعلی (۱۳۹۳)، *چالش‌های عصر مدرن در ایران عهد قاجار*، تهران: نشر تاریخ ایران.
- الگار، حامد (۱۳۶۹)، *دین و دولت در ایران*، ترجمه ابوالقاسم سری، ج ۱، تهران: توس.
- الوانی، مهدی (۱۳۸۵)، *مدیریت عمومی*، تهران: نشر نی.
- امامی، سید مجتبی، محمدمهدی ذوالفقارزاده و حسین خصاف مفرد (۱۳۹۱) «آموزش میان رشته‌ای مدیریت دولتی در ایران، الزامات برنامه‌ریزی درسی»، *فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی*، دوره چهارم، شماره ۱۶، صص ۱۰۷-۱۴۳.
- امانت، عباس (۱۳۸۳)، *قبله عالم: ناصرالدین‌شاه قاجار و پادشاهی ایران (۱۲۴۷-۱۳۱۳)*، ترجمه حسن کامشاد، تهران: نشر کارنامه.
- انتنر، مروین (۱۳۶۹)، *روابط بازرگانی روس و ایران*، ترجمه احمد توکلی، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- بروگش، هینریش (۱۳۶۷)، *سفری به دربار صاحبقران*، ترجمه حسین کردبچه، ج ۱، تهران: اطلاعات.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۰)، *موانع توسعه سیاسی در ایران*، تهران: گام نو.
- پرنیانی، میلاد (۱۳۹۳)، «تفسیر اصلاحات ناکام با جامعه‌شناسی نخبه‌کشی در ایران با تأکید بر امیرکبیر»، *خردنامه*، شماره ۱۲، صص ۲۸-۴۵.
- پولاک، یاکوب ادوارد (۱۳۶۱)، *ایران و ایرانیان*، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران: خوارزمی.
- پیرنیا، حسن و عباس اقبال آشتیانی (۱۳۸۱)، *تاریخ ایران*، تهران: مؤسسه انتشارات نگاه.
- تنکابنی، حمید (۱۳۸۹)، «منزلت «قانون» و «نظم» در نظریه‌های علوم اجتماعی و مدیریت؛ پیشینه آن در اداره ایران عصر قاجار»، *جامعه‌پژوهی فرهنگی*، سال اول، شماره ۲، صص ۳۵-۶۶.
- تیموری، ابراهیم (۱۳۳۲)، *عصر بی‌خبری یا تاریخ امتیازات در ایران*، تهران: شرکت نسبی حاج محمدحسین اقبال و شرکا.
- جعفری، علی، مرتضی دهقان‌نژاد و فریدون الهیاری (۱۳۹۵)، «اصلاح نظام اداری ایران در عصر قاجار با تأکید بر قانون استخدام کشوری»، *مجله تاریخ اسلام و ایران*، شماره ۲۹، صص ۵-۳۸.
- حاجی یوسفی، امیرمحمد و محمد محمدیان (۱۳۹۷)، «منابع قدرت اجتماعی، ساختار دولت و روابط خارجی قاجار»، *دانش سیاسی*، سال چهاردهم، شماره ۱، صص ۹۰-۱۱۶.
- حجاریان، سعید (۱۳۹۰/۱۰/۲۴) «امیرنظام یا عزیزالسلطان»، *روزنامه شرق*، شماره ۱۴۴۱.

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء^(س)، سال ۳۰، شماره ۴۷، پاییز ۹۹ / ۱۶۳

- دانش فرد، کرم الله (۱۳۸۹)، «فرآیند خط مشی گذاری عمومی»، رساله دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
- دوگوبینو، ژوزف آرتور (۱۳۶۷)، سه سال در آسیا، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران: کتابسرا.
- دهقان، منوچهر (۱۳۴۸)، «نظام ناصری»، مجله بررسی های تاریخی، سال چهارم، شماره ۴، صص ۱۴۷-۱۵۰.
- راین، اسماعیل (۱۳۶۲)، حقوق بگیران انگلیس در ایران، تهران: انتشارات جاویدان.
- رحمانی، تورج (۱۳۹۳)، «درآمدی بر تعامل تاریخ و سیاست؛ به سوی دانشی بینارشته ای»، فصلنامه مطالعات میان رشته ای در علوم انسانی، شماره ۳، صص ۵۳-۷۵.
- رضاقلی، علی (۱۳۸۴)، «تاریخ، توسعه و توسعه نیافتگی (نگرشی تطبیقی به آراء ابن خلدون، مارکس و بازرگان، نورث)»، مجله اقتصاد و جامعه، شماره ۵، صص ۷۹-۹۸.
- رضاییان، علی (۱۳۸۷)، مبانی سازمان و مدیریت، تهران: سمت.
- رنانی، محسن (۱۳۹۶)، «ناتوانی در گفت و گو، از امیرکبیر تا شیخ شجاع»، [www. http://renani.net](http://renani.net).
- زاهدی، شمس السادات و حمید تنکابنی (پاییز ۱۳۸۸)، «درآمدی بر ریشه شناسی نهاد دیوان سالاری ایران در دوره اول قاجار»، مجله فرهنگ، شماره ۷۱، صص ۱۰۹-۱۴۶.
- زیباکلام، صادق (۱۳۷۹)، «حاکمیت قاجارها، امیرکبیر و اصلاحات»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۵۰، صص ۲۰۲-۲۲۳.
- سارلی، ارازمحمد (۱۳۷۳)، تاریخ ترکمنستان، تهران: وزارت امور خارجه.
- سایکس، سرپرسی (۱۳۷۰)، تاریخ ایران، ترجمه محمدتقی فخر داعی گیلانی، ج ۲، تهران: دنیای کتاب.
- سپهر، محمدتقی (لسان الملک) (۱۳۸۵)، ناسخ التواریخ، ج ۳، تهران: اسلامیه.
- سعادت، ابراهیم (۱۳۷۰)، تاریخ پیشرفت های پزشکی در هفتاد سال اخیر ۱۳۰۰ تا ۱۳۷۰ تهران: [بی نا].
- شاه آبادی، محمدمهدی، علی اصغر پورعزت، حسن دانایی فرد و رحمت الله قلی پور (۱۳۹۳)، «تحلیلی بر رویکرد تاریخی به توسعه سیستم خط مشی گذاری عمومی، مبانی نظری و اسلوب اجرا»، فصلنامه روش شناسی علوم انسانی، سال بیستم، شماره ۸۱، صص ۷۳-۱۱۰.
- شعبانی، رضا و فریبا صنعتی (۱۳۹۵) «میرزا آقاخان نوری و مرده ریگ اصلاحات امیر کبیر»، تحقیقات تاریخ اجتماعی، سال ششم، شماره ۱، صص ۲۰۸-۲۲۸.
- شهرام نیا، امیرمسعود و مجید اسکندری (۱۳۸۹)، «علل ناکامی نخبگان عصر قاجار در روند توسعه یافتگی ایران»، راهبرد یاس، شماره ۲۱، صص ۳۳۱-۳۱۲.
- شیل، لیدی مری (۱۳۶۸)، خاطرات لیدی شیل (همسر وزیر مختار انگلیس در اوایل سلطنت ناصرالدین شاه)، ترجمه حسین ابوترابیان، تهران: نشر نو.
- عطار، سعید و علی خواجه نائینی (۱۳۹۴)، «بررسی و تحلیل عوامل مؤثر بر ناکارآمدی نظام سیاسی

- در ایران»، فصلنامه سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۱، شماره ۱، صص ۱-۲۰.
- علیزاده بیرجندی، زهرا، سمیه حمیدی و الهام ملکزاده (۱۳۹۶) «واکاوی خاستگاه و کارکرد نشان‌های دواتی عصر قاجار»، مجله جستارهای تاریخی، سال هشتم، شماره ۱، صص ۷۹-۹۸.
- عیسوی، چارلز (۱۳۶۲)، تاریخ اقتصادی ایران عصر قاجار؛ ۱۲۱۵-۱۳۳۲ق، ترجمه یعقوب آژند، ج ۱، تهران: گستره.
- فلور، ویلم (۱۳۶۶)، جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران در عصر قاجار، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: توس.
- قائم‌مقامی، جهانگیر (۱۳۴۶)، «ورقی از تاریخ ارتش ایران: تاریخچه سربازگیری در ایران»، مجله بررسی‌های تاریخی، سال دوم، شماره ۲، صص ۴۰-۴۹.
- قزوینی، محمدشفیع (۱۳۷۰)، قانون قزوینی، به کوشش ایرج افشار، تهران: طلایه.
- کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۷۳)، اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران: مرکز نشر، چاپ چهارم.
- کار، ادوارد هالت (۱۳۸۵)، تاریخ چیست، ترجمه حسن کامشاد، تهران: انتشارات خوارزمی.
- کاوه جبلی، علیرضا (۱۳۷۱)، سیاست خارجی امیرکبیر، تهران: نشر جویا.
- کجباف، علی‌اکبر و کورش هادیان (۱۳۹۰) «الگوی مدیریت بحران در دوره قاجار با تاکید بر نقش دولت مردان کرد در مدیریت بحران سالار»، مجله مطالعات تاریخ اسلام، سال سوم، شماره ۱۰، صص ۱۱۵-۱۴۳.
- کرزن، جورج ناتانیل (۱۳۹۶)، ایران و قضیه ایران، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ هفتم.
- لمبتون، آن کترین سواين فورد (۱۳۷۹)، نظریه دولت در ایران، ترجمه چنگیز پهلوان، تهران: نشر گپو.
- محمدخان، بهادر (۱۳۱۳)، «یک شخص مهم یا میرزا تقی‌خان اتابک»، مجله ارمغان، شماره ۱۵، صص ۲۰۸-۲۱۷.
- محمدی آیین، شهرزاد (۱۳۹۶)، «بررسی و تحلیل اصلاحات امیرکبیر از دیدگاه سیاحان و کارگزاران خارجی ۱۸۰۷-۱۸۵۲م / ۱۲۲۲-۱۲۶۸ق»، پارسه، شماره ۲۸، صص ۹۷-۱۱۴.
- مرتضایی‌فرد، محمود، علی بیگدلی و علیرضا علی‌صوفی (۱۳۹۷) «تحولات اصلاحات قضایی در دوره امیرکبیر و سپهسالار»، مجله پژوهش حقوق عمومی، شماره ۵۹، صص ۱۸۹-۲۱۵.
- مستوفی، عبدالله (۱۳۴۱)، شرح زندگانی من، ج ۱، ۲، تهران: زوار، چاپ ششم.
- مکالا، سی‌بی‌ین (۱۳۸۷)، بنیادهای علم تاریخ، چیستی و اعتبار شناخت تاریخی، ترجمه احمد گل محمدی، تهران: نشر نی.
- مکی، حسین (۱۳۶۶)، زندگانی میرزا تقی‌خان امیرکبیر، تهران: نشر تاریخ ایران.
- مورن، ادگار (۱۳۸۷)، پیرامون میان‌رشتگی، ترجمه توحیده ملاباشی، تهران: پژوهشکده مطالعات

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء(س)، سال ۳۰، شماره ۴۷، پاییز ۹۹ / ۱۶۵

فرهنگی و اجتماعی.

- موسوی، آرش (تابستان ۱۳۸۷)، «توسعه تاریخی و مبانی معرفت‌شناسی روان‌شناسی علم»، روش‌شناسی علوم انسانی، دوره ۱۴، شماره ۵۵، صص ۹۵-۱۱۱.

- نرگسیان، عباس (۱۳۷۸)، «نگاهی به سیر تطور مدیریت دولتی»، فرهنگ مدیریت، سال چهارم، شماره ۱۷، صص ۱۵۷-۱۹۵.

- واتسون، رابرت گرانت (۱۳۵۶)، تاریخ ایران دوره قاجار، ترجمه غ. وحید مازندرانی، تهران: امیرکبیر.
- والاد، برنار (۱۳۸۷)، موضوع میان‌رشته‌ای، ترجمه توحیده ملاباشی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

- ورجاوند، پرویز (مهر و آبان ۱۳۷۲)، «یکصد و پنجاهمین سال صدراعظمی امیرکبیر»، ماهنامه فرهنگی هنری کِلک، شماره ۴۳-۴۴، صص ۱۱۲-۱۱۸.

- هاشمیان، احمد (ایرج) (۱۳۷۹)، تحولات فرهنگی ایران در دوره قاجاریه و مدرسه دارالفنون، تهران: مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی.

- هدایت، رضاقلی خان (۱۳۳۹)، تاریخ روضه الصفای ناصری، تهران: کتابفروشی خیام.
- همایون، مخبر (خرداد ۱۳۴۰) «امیرکبیر و روش جدید سربازگیری در ایران»، مجله ارمغان، دوره سی‌ام، شماره ۱، صص ۱۳۲-۱۳۳.

- یلسون، آبراهام (۱۳۶۸)، تاریخ روابط سیاسی ایران و آمریکا، ترجمه محمدباقر آرام، تهران: امیرکبیر.

- یکتایی، مجید (۱۳۵۲)، «مالیه کشور در زمان قاجار»، مجله بررسی‌های تاریخی، سال هشتم، شماره ۴۹، صص ۱۳۹-۱۷۶.

- Algar, H. (accessed on 30 December 2012), "AMĪR KABĪR, MĪRZĀ TAQĪ KHAN", *Encyclopædia Iranica*, I/9, pp.959-963. available online at <http://www.iranicaonline.org/articles/amir-e-kabir-mirza-taqi-khan>.

- Arasteh, Reza (1962), *Education and Social Awakening in Iran*, Leide: p.37.

- Beddie, Francesca (2010), "Repackaging History for Policy Purposes", *National Centre for Vocational Education Research (NCVER)*.

- Binder, Leonard (1962), *Iran Political in A Changing Society*, Berkeley.

- Denhardt, R. B. (1984), *Theories of Public Administration*, Pacific Grove, California: Brooks/Cole Publishing Co.

- Efland, Anne (2012), "Synergies of Past and Present: The Mutual Benefits of Policy History and Policy Analysis", *Agricultural History*, Vol.86, No.4, pp.192-205.

- Grattan, Robert (2008), "Crafting management history", *journal of management History*, Vol.14, Issue.2, pp.174-178.

- Newell, TW. H. (2001), "A Theory of Interdisciplinary studies", *Issues in integrative studies*, n.19, pp.1-25.

- Philips, david (2014), "Comparatography, history and policy quotation: some reflections", *comparative education*, 50:1, pp.73-83.

- Pierson, Paul (2005), "The Study of policy Development", *journal of policy History*, Vol.17, Issue. 01, pp. 5-34.

- Postnote (2009), "Parliamentary Office of Science and Technology", *LESSONS FROM HISTORY*, Vol. 323, pp 1-4.

- Reuss, Martin (1988), "The Myth and Reality of Policy History: A Response to Robert Kelley", *The Public Historian*, Vol.10, No.1, pp. 41-49.

۱۶۶ / تبیین الگوی مفهومی حکوم‌داری امیرکبیر / مریم شمس فلاورجانی و ...

- Scott, J. (2006), *A Matter of Record: Documentary Sources in Social Research*, combridge: polity.
- Waldo, D. (1975), "Education for Public Administration in Seventies", in *American Public Administration: past, present, and future*, Mosher F.C. (Ed), University of Alabama Press.

List of sources with English handwriting

- Adamīāt, Fereydūn (1389 Š.), *Amīr Kabīr va Īrān*, Tehran: k̄ārazmī. [In Persian]
- Adamīāt, Fereydūn (1356 Š.), *Andīša-ye Taraqī va Hokūmat-e Qānūn ('Aṣr-e Sipahsālār)*, Tehran: Soḡan. [In Persian]
- Aḥmadvand, Šojā'; Somaya Ḥamīdī (1392 Š.), "Čahār Rivāyat dar Fahm-e Ma'nā-ye Moṭāliāt-e Mīānrištaī", *Faṣlnāma-ye v dar 'Olūm-e Ensānī*, 6, No. 2, pp. 31-53. [In Persian]
- Aḥmadzāda, Moḥamad Amīr (1391 Š.), "Bistarhā-ye Taḥdīd va Tosi'a-ye amniāt dar Īrān-e 'Aṣr-e Qājār ba Takīd bar Āsībšināsi-ye Nahādhā-ye Amniātsāz", *Moṭāliāt-e Tārīk-e Entizāmī*, No. 1, pp. 45-74. [In Persian]
- Akbarī, Moḥammad 'Alī (1393 Š.), *Čāliṣhā-ye 'Aṣr-e Moder dar Īrān-e 'Ahd-e Qājār*, Tehran: Našr-e Tārīk-e Īrān. [In Persian]
- Alvānī, Mahdī (1369 Š.), *Modīriyat-e 'Omūmī*, Tehran: Našr-e Nai. [In Persian]
- Aṯārī, Hossein (1393 Š.), "Taḥlīl-e Gofīmānī-e Eṣlāḥāt-e Amīr Kabīr dar Motūn-e Montakab-e Rūznāma-ye Vaqāya Etifaqīa", *Pejūhināma-ye 'Olūm-e Sīāsī*, 8, N. 3, pp. 69-98. [In Persian]
- Āl Dāvūd, Sayyid 'Alī, (ed.) (1371 Š.), *Nāmihā-ye Amīr Kabīr bi Enzimām-e Navādir al-Amīr*, Tehran: Našr-e Tārīk-e Īrān. [In Persian]
- 'Alizāda Birjandī, Zahrā; Somaya Ḥamīdī, Elhām Malikzāda (1396 Š.), "Vākāvī-e kāstgāh va Kārkard-e Nišānhā-ye Dolatī-e 'Aṣr-e Qājār", *Majala-ye Jostārḥā-ye Tārīkī*, 8, No. 1, pp. 79-98. [In Persian]
- 'Aṯār, Sa'īd; 'Alī Kāja Nāmī (1394 Š.), "Barrasī va Taḥlīl-e 'AvAmil-e Moaṯir bar Nākārāmadī-e Nizām-e Sīāsī dar Īrān", *Faṣlnāma-ye Sīāsatgozārī 'Omūmī*, 1, No. 1, pp. 1-20. [In Persian]
- Bašīrīā, Hossein (1380 Š.), *Mavāna Tosi'a Sīāsī dar Īrān*, Tehran: Gām-e No. [In Persian]
- Dihqān, Manūčīhr (1348 Š.), "Nizām-e Nāšīrī", *Majala-ye Barrisihā-ye Tārīkī*, 4, No. 4, pp. 147-150. [In Persian]
- Ejlālī, Farzām (1371 Š.), *Bonyān-e Hokūmat-e Qājār*, Tehran: Našr-e Nai.
- Etimād al-Saltāna, Moḥammad Ḥasan k̄ān (1349 Š.), *Šadr al-Tavārīk*, edited by Moḥammad Mošīrī, Tehran: Entiṣārāt-e Vaḥid. [In Persian]
- Etimād al-Saltāna, Moḥammad Ḥasan k̄ān (1367 Š.), *Mirāt al-Boldān*, edited by Abdulhossein Navāī, Mīr Ḥāšim Moḥadiṯ, Vol. 2, Tehran: Dānišgāh-e Tihrān. [In Persian]
- Eqbāl Āštīānī, 'Abbās (1361 Š.), *Mīrzā Taqī k̄ān Amīr Kabīr*, edited by ĪraAfšār, Tehran: K̄ārazmī. [In Persian]
- Estīqlāl, Hossein (1352 Š.), *Čihil Sāl Dādgostarī dar Šīrāz*, Šīrāz: Čāpkāna- Mūsā. [In Persian]
- Emāmī, Sayyid Moḡtabā; Moḥammad Zolfaqārzāda; Hossein jašāf Momfarid (1391 Š.), "Āmūziš-e Mīānrištaī-e Modīriyat-e Dolatī dar Īrān, Elzāmāt-e Barnāmarīzī-ye Darsī", *Faṣlnāma-ye Moṣāliāt-e Mīānrištaī dar 'Olūm-e Ensānī*, No. 16, pp. 107-143. [In Persian]
- Floof, Willem (1366 Š.), *Jostārḥāī az Tārīk-e Ejtīmā'ī Īrān dar 'Aṣr-e Qājār*, translated by Abulqāsim Sīrī, Tehran: Tūs. [In Persian]
- Ḥajārīān, Sa'īd (1390/10/24 Š.), "Amīr Nizām yā 'Azīz Solšān", *Rūznāma-ye Šarq*, No. 1441. [In Persian]
- Ḥājī Yūsefi, Amīr Moḥammad; Moḥammad Moḥammadīān (1397 Š.), "Manābi 'e Qodrat-e Ejtīmā'ī, Sāktār-e Dolat va Ravābi-te kārīji-e Qājār", *Dāniš-e Sīāsī*, 4, No. 1, pp. 90-116. [In Persian]
- Ḥāšimīān, Aḥmad (īraj) (1379 s.), *Taḥavolāt-e Farhangī-e Īrān dar Dora-ye Qājārīya va Madrasa-ye Dār al-Fonūn*, Tehran: Moasisa-ye Joḡrāfiāī va Kārtogirāfi. [In Persian]
- Hīdayat, Rezā Qolī k̄ān (1339 Š.), *Tārīk-e Roḡat al-Šafā-ye Nāšīrī*, Tehran: Kitābfoušī-e kāyyām. [In Persian]
- Homāyūn, Moḡbir (1340 Š.), "Amīr Kabīr va Raviš-e Jādīd-e Sarbāzgīrī dar Īrān", *Majala-*

- ye *Armagān*, 30, No. 1, pp. 132-133. [In Persian]
- Jafari, Ali; Morteza Dehghannejad, Fereidoon Allahyari (2016), "Reforming the Bureaucracy of Iran during Ghajar: The Case of Employment Laws", *History of Islam and Iran*, No. 29, pp. 5-38. [In Persian]
 - Kajbāf, 'Alī Akbar; Kūroš Hādīān (1390 Š.), "Olḡū-ye Modīriyat-e Bohrān dar Dora-ye Qājār bā Takīd bar Nař-e Dolatmardān-e Kord dar Modīriyat-e Bohrān-e Sālar", *Majala-ye Mojtālīāt-e Tārīk-e Eslām*, 3, Np. 10, pp. 115-143. [In Persian]
 - Kāva Jībīlī, 'Alīrezā (1371 Š.), *Sīāsāt-e kārījī-ye Amīr Kabīr*, Tehran: Nař-e Jūyā. [In Persian]
 - Makkī, Hossein (1366 Š.), *Zindigānī-e Mīrzā Taqī kān Amīr Kabīr*, Tehran: Nař-e Tārīk-e Irān. [In Persian]
 - Moḡammadī Āīn, Šahrzād (1396 Š.), "Barrasī va Tahlīl-e Eslāhāt-e Amīr Kabīr Az Dīdgh-e Sayāhān va Kārgozārān-e kārījī 1807-1852", *Pārsa*, No. 28, pp. 97-114. [In Persian]
 - Moḡammad kān, Bahādor (1313 Š.), "Yīk Šaks-e Mohim yā Mīrzā Taqī kān Atābak", *Majala-ye Armagān*, No. 15, pp. 208-217. [In Persian]
 - Mortazāīfard, Maḡmūd; 'Alī Bīgdēlī; 'Alīrezā 'Alīšūfī (1397 Š.), "Taḡavolāt-e Eslāhāt-e Qazāī dar Doray-e Amīr Kabīr va Sipahsālār", *Majala-ye Pejūhīs-e Hoqūq-e 'Omūmī*, No. 59, pp. 189- 215. [In Persian]
 - Mostofī, 'Abdullāh (1341 Š.), *Šarḡ-e Zindigānī-e Man*, Vol. 1, 2, Tehran: Zavvār. [In Persian]
 - Mūsavī, Āraš (1387 Š.), "Tosa 'a-ye Tārīkī va Mabānī-e Ma'rifatšināsī-e Ravānšināsī-e 'Elm", *Raviššināsī-e 'Olūm-e Ensānī*, 14, No. 55, pp. 95-111. [In Persian]
 - Nargīsīān, 'Abbās (1378 Š.), "Nīgāhī bi Sair-e Taḡavor-e Modīriyat-e Dolat", *Farhang-e Modīriyat*, 4, No. 17, pp. 157-195. [In Persian]
 - Parnīānī, Mīlād (1393 Š.), "Tafsīr-e Eslāhāt-e Nākām bā Ĵāma'ašināsī-e Noḡbakošī dar Irān bā Takīd bar Amīr Kabīr", *kiradnāma*, No. 12, pp. 28-45. [In Persian]
 - Pirnīā, Ḥasan; Abbās Eqbāl (1381 Š.), *Tārīk-e Irān*, Tehran: Moasisa-ye Emtišārāt-e Nīgāh. [In Persian]
 - Polak, Jakob Edward (1865), *Persien: Das Land und Seine Bewohner: Ethnographische Schilderungen*, Leipzig: Brockhaus. [In Persian]
 - Qāimmaqāmī, Ĵahāngīr (1346 Š.), "Varaqī az Tārīk-e Artiš-e Irān: Tārīkča-ye Sarbāzgerī dar Irān", *Majala-ye Barrasīhā-ye Tārīkī*, 2, N. 2, pp. 40-49. [In Persian]
 - Qāzvīnī, Moḡammad Šafī'(1370 Š.), *Qānūn-e Qazvīnī*, edited by ĩraj Afšār, Tehran: Ṭalāya. [In Persian]
 - Rāīn, Esmā'īl (1362 Š.), *Hoqūqbegīrān-e Engīlīs dar Irān*, Tehran: Entišārāt-e Ĵāvīd. [In Persian]
 - Rahmānī, Tūraj (1391 Š.), "Darāmadī bar Ta 'āmol-e Tārīk va Sīāsāt; bi Sūye Dānišī Binārištāī", *Fašlnāma-ye Mojtālīāt-e Mīānrīštālī dar 'Olūm-e Ensānī*, No. 3, pp. 53-75. [In Persian]
 - Rezāīān, 'Alī (1387 Š.), *Mabānī-e Sāzmān va Modīriyat*, Tehran: SAmT.
 - Rinānī, Moḡsin (1396 Š.), "Nātavānī dar Goftīgū, az Amīr Kabīr tā Šeīḡ Šojā ", available in: www.renani.net. [In Persian]
 - Sārlī Arāzīlī (1373 Š.), *Tārīk-e Torkamanistān*, Tehran: Vizārat-e Omūr-e kārīja. [In Persian]
 - Sā 'ādat, Ebrāḡīm (1370 Š.), *Tārīk-e Pīšrafthā-ye Piziškī dat Haftād Sāl-e Aḡīr 1300 ta 1370*, Tehran. [In Persian]
 - Sīpīr (Lisān al-Molk), Moḡammad Taqī (1385 Š.), *Nāsīḡ al-Tavārīḡ*, Vol. 3, Tehran: Eslāmīā. [In Persian]
 - Ša'bānī, Rezā; Farībā Šan 'atī (1395 Š.), "Mīrzā Āqā kān Nūrī va Mordarīg-e Eslāhāt-e Amīr Kabīr", *Tahqīqāt-e Tārīk-e Eĵtimāī*, 6, No. 1, pp. 208-228. [In Persian]
 - Šāḡbādī, Moḡammad Maḡdī; 'Alī Ašḡar Pūr'ezzat; Ḥasan Dānāīfard; Raḡmatallāḡ Qolīpūr (1393 Š.), "Tahlīlī bar Rūykard-e Tārīkī bi Tosi 'a-ye Sistem-e kaṭmašigozārī-e 'Omūmī, Mabānī-e Naẓarī va Oslūb-e Eĵrā", *Fašlnāma-ye Raviššināsī-e 'Olūm-e Ensānī*, 20, No. 81, pp. 73-110. [In Persian]
 - Šahrāmīā, Amīr Mas'ūd; Maīd Eskandarī (1389 Š.), "'Elal-e Nākāmī-e Noḡbigān-e 'Ařr-e

- Qājār dar ravand-e Tosi ‘ayāftigī-e Īrān”, *Rāhbord-e Yās*, pp. 312-331. [In Persian]
- Timūrī, Ebrāhīm (1332 Š.), ‘*Aṣr-e Bīkabarī yā Tārīk-e Emtāzāt dar Īrān*, Širat-e Hāj Moḥammad Hoṣṣein Eqbāl va Šorakā. [In Persian]
 - Tonkābonī, Hamīd (1389 Š.), “Manzilat-e Qānūn va Nazm dar Nazarīahā-ye ‘Olūm-e Ejtīmā’ī va Modīrīāt’ Pīšīna-ye Ān dar Edāra-ye Īrān-e ‘Aṣr-e Qājār, *Jāma‘e Pejūhī Farhangī*, 1, No. 2, pp. 35-66. [In Persian]
 - Valade, Bernard (1387 Š.), Mozū ‘e Mīānrištāgī, translated by Toḥīda Mollābāšī, Tehran: Pejūhiškada-ye Moṭālīāt-e Farhangī va Ejtīmā’ī.
 - Varjāvand, Parvīz (1372 Š.), “Yīkšad va Panjāhomīn Sāl-e Šadr-e A ‘zamī-e Amīr Kabīr”, *Māhnāma-ye Farhangī Honarī-e Kilk*, No. 43-44, pp. 112-118.
 - Yīktānī, Majīd (1352 Š.), “Mālīyya-e Kišvar dar Zamān-e Qājār”, *Majāla-ye Barrasīhā-ye Tārīkī*, 8, No. 49, pp. 139-176. [In Persian]
 - Zāhidī, ams al-Sādat; Hamīd Tonkābonī (1388 Š.), “Darāmadī bar Rīšašināsi-e Nahād-e Dīvānsālārī-e Īrān dar Dora-ye Avval-e Qājār”, *Majāla-ye Farhang*, No. 71, pp. 109-146. [In Persian]
 - Zībākālām, Šādiq (1379 Š.), “Hākīmīāt-e Qājārīhā, Amīr Kabīr va Ešlāḥāt”, *Majāla-ye Dāniškada-ye hoqūq va ‘Olūm-e Sīāsī*, No. 50, pp. 202-223. [In Persian]

References in English, French and German

- Algar, H. (accessed on 30 December 2012), “AMĪR KABĪR, MĪRZĀ TAQĪ KHAN”, *Encyclopædia Iranica*, I/9, pp.959-963. Available online at <http://www.iranicaonline.org/articles/amir-e-kabir-mirza-taqi-khan>.
- Algar, Hamid (1969), *Religion and State in Iran, 1785-1906*, Berkeley, Los Angeles: University of California.
- Amanat, Abbas (1997), *Pivot of the Universe: Nasir Al-Din Shah Qajar and the Iranian Monarchy 1831-1896*, Tauris.
- Arasteh, Reza (1962), *Education and Social Awakening in Iran*, Leide.
- Basarab, Niçolescu; Lima de Freita et Edgar Morin (n. d.), «La transdisciplinarité–Manifeste», *Éditions du Rocher Collection Transdisciplinarité*, Monaco.
- Beddie, Francesca (2010), "Repackaging History for Policy Purposes", *National Centre for Vocational Education Research (NCVER)*.
- Binder, Leonard (1962), *Iran Political in A Changing Society*, Berkeley.
- Brugsch, Heinrich Karl (2012), *Reise der K. Preussischen Gesandtschaft nach Persien: 1860 und 1861*, Ulan Press.
- Carr, Edward Hallet (1964), *What is History?*, Knopf.
- Curzon, George Nathaniel (1966), *Persia and Persia Question*, London: Frank Cass and Co.
- Denhardt, R. B. (1984), *Theories of Public Administration*, Pacific Grove, California: Brooks/Cole Publishing Co.
- Efland, Anne (2012), “Synergies of Past and Present: The Mutual Benefits of Policy History and Policy Analysis”, *Agricultural History*, Vol.86, No.4, pp.192-205.
- Entner, Marvin L. (1965), *Russo-Persian Commercial Relations, 1828-1914*, Gaines Ville: University of Florida Press.
- Gobineau, Joseph Arthur (1905), *Trois ans en Asie, de 1855 a 1858*, Paris: E. Ieroux.
- Grattan, Robert (2008), “Crafting management history”, *journal of management History*, Vol.14, Issue.2, pp.174-18.
- Issawi, Charles Philip (1966), *The Economic history of Iran, 1800-1914*, London: University of Chicago Press.
- Lorentz, John (1971), *Iran’s Great Reformers of the Nineteenth Century: an Analysis of Amir Kabir’s Reforms*, *Iranian Studies*, Vol. 4, Issue 2-3, pp. 85-103.
- Newell, TW.H (2001), “A Theory of Interdisciplinary studies”, *Issues in integrative studies*, No.19, pp. 1-25.
- Pierson, Paul (2005), “The Study of policy Development”, *journal of policy History*, Vol.17, Issue. 01, pp. 5-34.
- Philips, David (2014), “Comparatography, History and policy quotation: some reflections”,

Comparative education, 50:1, pp.73-83.

- Postnote (2009), "Parliamentary Office of Science and Technology", *LESSONS FROM HISTORY*, Vol. 323, pp 1-4.
- Reuss, Martin (1988), "The Myth and Reality of Policy History: A Response to Robert Kelley", *The Public Historian*, Vol.10, No.1,pp. 41-49.
- Scott, J. (2006), *A Matter of Record: Documentary Sources in Social Research*, combridge: polity.
- Sheil, Mary Leonora (1856), *Glimpses of Life and Manners in Persia*, New York: Arno Press.
- Stanford, Michael (1994), *A Companion to the Study of History*, Wiley-Blackwell.
- Sykes, Percy Molesworth (1915), *A History of Paris*, London: Macmillan and Co.
- Katouzian, Mohammad Ali (1992), *The Political Economy of Modern Iran: Despotism and Pseudo-Modernism, 1926-1979*, Houndmills: Macmillan.
- Lambton, Ann Katharine Swyford (1956), "Quis custodiet custodes: Some Reflections on the Persian Theory of Government", *Studia Islamica*, No. 5, pp. 125-148.
- McCullagh, Behan (2004), *The Logic of History, Putting Postmodernism in Perspective*, Routledge.
- Waldo, D. (1975), "Education for Public Administration in Seventies", in *American Public Administration: past, present, and future*, Mosher F.C. (Ed), University of Alabama Press.
- Watson, Robert Grant (1866), *A History of Persia: from the Beginning og the Nineteenth Century to the Year 1858*, London: Smith Elder.
- Yeselson, Abraham (1959), *United States-Persian Diplomatic Relations 1883-1921*, New Brunswick: Rutgers University Press.

Explaining the Conceptual Model of Amirkabir Governance¹

Maryam Shams Falavarjani²
Mehraban Hadi Peykani³
Soheila Torabi Farsani⁴

Received: 21/06/2020
Accepted: 03/09/2020

Abstract

The present study aims to develop a model for public administration. The authors try to use the science of history to provide this opportunity to decision-makers, policymakers, and government managers that they can use to carefully examine a model of governance.

One of the best models in this regard is the governance of Amirkabir. In this study, following the conceptual framework approach and using the documentary research method, focusing on studying and reviewing primary sources and texts, essential data in historical sources have been extracted. While reviewing in the form of an exploratory and inductive plan, we presented a relatively clear picture of the governance of Amirkabir. The proposed conceptual framework of this research consists of 189 concepts organized in the form of 23 categories, 12 themes, and six dimensions. The extracted concepts are also categorized. A number of the concepts are placed in a category, and the related categories locate in a theme, and the related themes form dimension.

The identified dimensions are political measures, cultural measures, bureaucratic measures, protection measures, economic measures, and social measures obtained with the cooperation of the Association of Experts. The framework provides a basis for understanding the various aspects of Amirkabir governance and finally provides a conceptual model of this politician's actions that can be a reference for managers and policymakers in public administration in Iran.

This study shows that historical data can be used to define new concepts and new components in public administration.

Keywords: Amirkabir, Iran, Qajar, Public Administration, Conceptual Framework.

1. DOI: 10.22051/HII.2020.31751.2262

2. PhD student in Public Administration, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran. shams.maryam@gmail.com

3. Assistant Professor, Department of Public Administration, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran, (Corresponding Author) - m.peykani@khuisf.ac.ir

4. Associate Professor, Department of History, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran - stfarsani@phu.iaun.ac.ir

Print ISSN: 2008-885X/Online ISSN:2538-3493